



ترومای فقر و زمستان سرد؛

بازار لیلای فروشان در کندز رونق گرفته است



همزمان با گسترش دامنه فقر و تشدید سرما در ولایت های سردسیر کشور، بازار لیلای فروشی ها در کندز رونق بیشتری پیدا کرده است. انبار کالا های زمستانی با رنگ های متفاوت در حالی بازار لیلای فروشی کندز را رنگین تر ساخته که سرمای بی پیشینه سبب شده بهای کالا های مُد روز، مواد خوراکی، مواد سوخت و البسه زمستانی در مناطق سردسیر تا حدی افزایش یابد. از سوی دیگر، قدرت خرید شهروندان در یکونیم سال گذشته به دلیل بحران اقتصادی و سیاسی حاکم در کشور به تدریج کاهش یافته است.

۳

دو سال انتظار برای دریافت حقوق؛

بازنشسته گان منتظر تصمیم هبت الله هستند

۵



ثبت صدها جریب «زمین امارتی» در پنجشیر؛

طالبان به غصب

ملکیت های شخصی و عامه متهم اند

۳

اداره احصاییه و معلومات طالبان نام ولسوالی و تاریخ اعتبار را در شناس نامه های برقی اضافه کرد

۸ صبح، کابل: اداره احصاییه و معلومات تحت مدیریت طالبان اعلام کرده که نام ولسوالی و تاریخ اعتبار را در شناس نامه های برقی اضافه کرده است.

این اداره روز سه شنبه، ۱۱ دلو، با نشر خبرنامه ای نگاشته است که نام ولسوالی را به هدف داشتن آدرس دقیق تر و تاریخ اعتبار که ۱۰ سال تعیین شده را به دلیل تغییر ظاهری چهره فرد و به روزرسانی اطلاعات با یومتریک اضافه کرده است.

در خبرنامه این اداره آمده است که دارندگان شناس نامه های برقی مکلف اند که هر ۱۰ سال، معلومات با یومتریک خود را ثبت کنند و همچنان عکس خود را در آن تغییر دهند.

پیش از این در شناس نامه های برقی، زمان اعتبار آن مشخص نشده و نام ولسوالی فرد تذکر نرفته بود.

این در حالی است که چندی پیش اداره احصاییه و معلومات طالبان اعلام کرده بود که از آغاز توزیع شناس نامه برقی تا کنون، بیش از نه میلیون تذکره برقی توزیع کرده است.



مدیران ارشد مرکز امنیت جدید امریکا:

واشنگتن با مخالفان سیاسی طالبان وارد تعامل شود

گروه های مخالف طالبان از جامعه جهانی می خواهد که به ساده گی از افغانستان دست نکشد.

در این مقاله با اشاره به نقض حقوق زنان، رشد داعش و رابطه طالبان با القاعده، آمده که اکنون توانایی جامعه بین المللی برای تغییر واقعیت های تازه افغانستان بسیار محدود شده است.

مسوولان مرکز امنیت جدید امریکا چندی پیش سلسله سفرهای شان را برای دیدار با مخالفان سیاسی طالبان در کشورهای سومی آغاز کردند. در آن زمان هدف از سفرهای این هیأت برنامه پژوهشی برای یافتن راه های حمایت از حقوق بشر در افغانستان عنوان شده بود.

گفتنی است که طالبان پس از تسلط شان بر افغانستان، کارنامه غیر قابل قبول در زمینه حقوق بشر از خودشان برجا گذاشته اند. در این مدت محدودیت های شدیدی بر جامعه افغانستان، به ویژه علیه زنان وضع کرده اند که نگرانی جامعه جهانی را برانگیخته است.



با رهبران طالبان درگیرند، یک دفتر رسمی به این بحثها اهمیت بیشتری می دهد و روند مذاکرات گسترده تر به رهبری افغان ها را تشویق می کند.

ریچارد فونتنین و همکارش پیشنهاد کرده است که امریکا باید سفارت افغانستان در واشنگتن را بازگشایی کند و به سفیر قبلی آن اجازه فعالیت بدهد.

در مطلب فارن پالیسی به وضعیت مالی بد سفارت افغانستان در دوشنبه و محدودیت ها بر سر فعالیت گروه های سیاسی مخالف طالبان در ترکیه نیز اشاره شده و آمده است که همه

۸ صبح، کابل: ریچارد فونتنین، مدیر اجرایی مرکز امنیت جدید امریکا (CNAS) و لیزا کورتیس، مدیر برنامه امنیتی هند و اقیانوس آرام در این مرکز، پس از رأی زنی ها با گروه های سیاسی مخالف طالبان در مطلبی نوشته اند که حکومت طالبان دایمی نیست و باید برای کمک به افغانستان با مخالفان سیاسی این گروه تعامل شود.

این مقام های مرکز امنیت جدید امریکا روز سه شنبه، ۳۱ جنوری، در مطلبی در فارن پالیسی تذکر داده اند که واشنگتن نباید به ساده گی حکومت اجباری طالبان را به عنوان یک واقعیت نامعلوم و یا تأسفبار بپذیرد و باید برای حکومت جایگزین برای افغان ها از همین حالا تلاش شود.

آنان همچنان گفته اند که امریکا باید توافق دوحه را رسماً کنار بگذارد و از ایجاد دفتر سیاسی برای مخالفان طالبان در کشور سومی حمایت کند.

در این مطلب آمده، در حالی که تعدادی از اعضای اپوزیسیون سیاسی به صورت انفرادی

مسوولیت پذیری و مسوولیت گریزی تی تی پی در پیوند به حمله پیشاور



۵

لابی گری برای طالبان؛

پانگه جهانی؛ اقتصاد افغانستان گل و گلزار است



۶

طالبان: در یک سال گذشته یک هزار و ۵۹۰ قتل در افغانستان اتفاق افتاده است

انتها م این قضیه ها بازداشت شده اند. گفتنی است که شهروندان کشور همواره از افزایش جرم های جنایی زیر پوشش لباس طالبان شاکی اند. طالبان نیز همواره مدعی اند که امنیت شهروندان کشور را بیش از هر زمان دیگری تضمین کرده اند.

است که از این میان یک هزار و ۹ واقعه توسط طالبان کشف شده است. وی افزوده است که این قتلها «شامل قتل های ناموسی»، قتل های خانواده گی، خصومت ها و قتل های مرموز است. به گفته او، در این مدت ۳۶۹ قضیه خودکشی نیز نزد طالبان ثبت شده است و ۶۸ تن به

۸ صبح، کابل: وزارت امور داخله طالبان می گوید که در یک سال گذشته، یک هزار و ۵۹۰ قضیه قتل در کشور اتفاق افتاده است و یک هزار و ۸۱۸ تن در پیوند به این قضیه ها از سوی نیروهای این گروه بازداشت شده اند. بسم الله حبیب، معاون سخنگوی وزارت امور داخله طالبان، روز سه شنبه، ۱۱ دلو، گفته



افغانستان، سرزمین الاهه‌های گمنام و خاموش

گزارش‌ها و ویدیوهایی که از الاهی دلاورزی و بسته‌گانش در فضای مجازی رسید، گوشه‌ای از وضعیت دردناک و فاجعه‌بار حقوق بشر در افغانستان را بر آفتاب افکند. هنوز همه جوانب قضیه یادشده با تمام کیف و کان آن روشن نشده است؛ زیرا گروه حاکم اجازه نمی‌دهد که تحقیقات آزاد صورت بگیرد. رسانه‌ها نمی‌توانند آزادانه درباره آن گزارش تهیه کنند. نهادهای مدنی مدافع حقوق زنان نیز دیگر اجازه فعالیت ندارند و مسوولان دستگاه عدلی و قضایی فاقد استقلال و بلکه دست‌نشانده گروه حاکمند و سیاست حاکمان، براساس فرمان صریح امیرالمومنین‌شان این است که انتقادی از اعمال رهبران و مسوولان رژیم آنان نباید در افکار عمومی مطرح شود. در چنین وضعیتی، تشخیص حقیقت به سخت‌ترین کار ممکن تبدیل می‌شود.

یکی از پرسش‌های اساسی مربوط به این موضوع این است که آیا الاهی یگانه قربانی وضعیت کنونی است؟ آیا دختران دیگر در افغانستان در معرض این تاراج و چپاول قرار ندارند؟ آیا همه زنان دوم و سومی که رهبران و فرماندهان طالبان در این مدت اندک گرفته‌اند، همه در سن قانونی ازدواج قرار داشته و ازدواج‌شان به رضایت و خشنودی دختران صورت گرفته است؟ آیا مناطقی که زیر چکمه‌های هزاران جنگ‌جوی طالبان به بهانه بغاوت، مورد مجازات قرار گرفته از این تعرضات مصون مانده است؟ گزارش‌های منابع محلی می‌رساند که نه تنها طالبان، بلکه افزون بر آنان تروریست‌های خارجی موجود در زیر پرچم طالبان، یکی از غنایمی که به آن دل بسته‌اند، دختران مردم افغانستان است. طبق این گزارش‌ها، دلایان محلی طالبان به افراد انصارالله تاجیکستان، تحریک اسلامی اوزبیکستان و سایر جنگ‌جویان خارجی اعلان کرده‌اند که تأمین زن و خانه برای آنان را تضمین می‌کنند. خصوصاً که شرایط فقر و تنگ‌دستی، خانواده‌های فراوانی را در افغانستان از این بابت آسیب‌پذیر ساخته است.

آن‌چه در دشواری قضیه می‌افزاید و احتمال افزایش این جنایات را بالا می‌برد، علاوه بر رویکرد امنیتی حاکمان و فقر اقتصادی محکومان، یک عامل فرهنگی ظالمانه است که به دآوری جامعه در برابر قربانیان این حادثه پیوند دارد. در جامعه افغانستان وقتی زنی مورد تجاوز قرار بگیرد، به جای آن‌که مجرم و جنایتکار مورد مجازات هنجاری قرار گرفته و احساس شرم‌نده‌گی کند، قربانی‌ای که با بی‌گناهی در معرض جنایت قرار گرفته است، بار سنگین و کمرشکن شرمساری را به دوش می‌کشد و در معرض انواع قضاوت‌های بی‌جا و ملامت بی‌معنا قرار می‌گیرد. جامعه با این عمل خود در جنایت سهم می‌گیرد و قساوت در حق مظلومان را به اوج می‌رساند. کسی که قربانی شده است تا سال‌ها و چه بسا تا آخر عمر به چشم انسانی معیوب دیده می‌شود؛ حال آن‌که او هیچ تقصیری در ماجرا و هیچ لکهای بر دامن ندارد. این رویه غیرانسانی به جنایتکاران جرأت می‌دهد تا بر شمار بیشتری از انسان‌های آسیب‌پذیر جامعه تعرض کنند و زندگی‌های بیشتری را در معرض تباهی قرار بدهند.

باید با این وضعیت غیرانسانی و سراسر ستم‌گرانه به مقابله برخاست. باید از قربانیان جرم‌زدایی کرد و مجرمان واقعی را به مجازات رساند. مجازات قانونی در برابر محاکم و مجازات هنجاری در برابر اجتماع. باید احساس سرافکنده‌گی را به جنایت‌کار برگرداند و قربانی را از هر آلوده‌گی و خجالتی میرا دانست. باید به قربانیان جرأت داد که درد خود را آشکارا فریاد و حق خود را دلیرانه مطالبه کنند. باید در تریبون‌های عمومی، منابر، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گفت که نه قربانی سزاوار تیر طعنه و ملامت است و نه خانواده‌اش مستحق سرافکنده‌گی و خجالت. سعید خوستی‌ها باید سرافکنده باشند، نه الاهی‌های کشور.

افغانستان در شاخص مبارزه با فساد از جایگاه ۱۷۴ به ۱۵۰ صعود کرد



۸صبح، کابل: بر بنیاد گزارش تازه سازمان شفافیت بین‌المللی، افغانستان تحت حاکمیت طالبان، در شاخص مبارزه با فساد اداری در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۲۱، ۲۱ پله صعود کرده و با ۲۴ امتیاز، در جایگاه ۱۵۰ قرار گرفته است.

سازمان شفافیت بین‌المللی روز سه‌شنبه، ۱۱ دلو، گزارش تازه‌اش را نشر کرده است.

در گزارش امسال این سازمان آمده است: «فساد یکی از اصلی‌ترین عوامل شکست تلاش‌های بین‌المللی برای برقراری صلح و امنیت در افغانستان بود. این امر مشروعیت و توانایی دولت افغانستان را تضعیف کرد، ارتش افغانستان را آلوده ساخت و منابع را به سمت طالبان هدایت کرد و حمایت مردمی از آن‌ها را تقویت کرد.»

در این گزارش اما توضیح داده نشده که بهبود جایگاه افغانستان در رتبه‌بندی جهانی چگونه صورت گرفته و جزئیاتی نیز در مورد عمل‌کرد طالبان در مبارزه علیه فساد اداری ارایه نشده است.

افغانستان در سال ۲۰۲۱ با ۱۶ امتیاز در میان ۱۸۰ کشور جهان در جایگاه ۱۷۴ قرار داشت.

براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، افغانستان در سال ۲۰۲۰ با ۱۹ امتیاز در جایگاه ۱۶۵ قرار گرفته بود.

در این میان، دنمارک با داشتن ۹۰ امتیاز، پاک‌ترین کشور جهان خوانده شده است و فنلند و نیوزلند

هر کدام با ۸۷ امتیاز به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

سومالیا با ۱۲ امتیاز، فاسدترین کشور جهان خوانده شده است.

گفتنی است که در گزارش این سازمان گفته شده که اکثر کشورها در امر مبارزه با فساد ناکام بوده‌اند و دو سوم کشورها کمتر از ۵۰ امتیاز دارند.

سازمان شفافیت بین‌المللی یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی مستقر در آلمان است که از سال ۱۹۹۳ فعالیت خود در مورد سنجش میزان فساد در کشورهای مختلف را آغاز کرده و دو سال پس از آن، به محاسبه شاخص فساد و رتبه‌بندی کشورها پرداخته است.

امتیاز هر کشور از طریق مصاحبه و گردآوری نظرات بازرگانان و صاحبان صنایع و ارزیابی کارشناسان تهیه می‌شود.

این در حالی است که بر بنیاد گزارش روزنامه ۸صبح، پس از توقف روند توزیع پاسپورت در کشور، طالبان دروازه‌های بازار سیاه را به روی متقاضیان باز نگه داشته‌اند.

براساس این گزارش، در حال حاضر قیمت هر جلد پاسپورت در بازار سیاه بین دو تا سه هزار دالر امریکایی است. پول این پاسپورت‌ها به جیب مسوولان ریاست پاسپورت زیر اداره وزارت داخله طالبان واریز می‌شود.

خانواده دلاورزی برای آزادی الاهی از زندان، به شبکه حقانی ضرب‌الاجل سه‌روزه تعیین کرد



۸صبح، کابل: خانواده الاهی دلاورزی ضرب‌الاجل سه‌روزه را برای شبکه حقانی و گروه طالبان تعیین کرده

تا او را «صحیح و سالم» در حضور رسانه‌ها به دفتر صلیب سرخ یا یوناما تحویل دهند.

سودابه سها دلاورزی، خواهر الاهی دلاورزی، روز دوشنبه، ۱۰ دلو، با نشر یک نوار تصویری خطاب به طالبان

به‌خصوص شبکه حقانی هشدار داده که اگر الاهی دلاورزی تا ساعت ۴:۰۰ عصر پنج‌شنبه، ۱۳ دلو، آزاد نشود، نوارهای زیادی نزدشان موجود است که آن را نشر خواهد کرد.

او از صلیب سرخ و دفتر سازمان ملل متحد در کابل خواسته است که پس از این هر فعالیتی را که در راستای آزادی الاهی انجام می‌دهند، رسانه‌های کنند؛ زیرا به گفته او، آن‌ها هیچ فعالیت پنهانی را قبول ندارند.

وی افزوده است که پس از نشر نوارهای تصویری الاهی در شبکه‌های اجتماعی، اولین بار در تاریخ ۳۰ اگست تماس تلفنی میان او و ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، با ترجمانی خنمی به نام حبیبی آشنا برقرار شد

و آقای بنت مسوولیت انتقال الاهی را به تیم «هیومن فرست» داد.

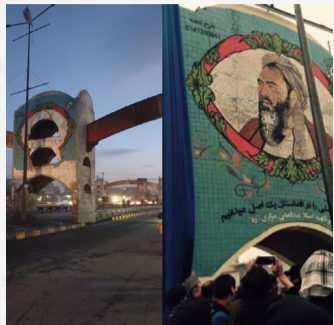
به گفته او، این تیم پس از هشت روز الاهی را توسط یک قاچاق‌بر به پاکستان انتقال داد.

سودابه مدعی شده است که تیم «هیومن فرست» به ریاست صفی رووف، الاهی را به پاکستان منتقل کرد، اما پس از آن نشانی او را به شبکه حقانی فاش کرد.

براساس ادعای این خانواده، این تیم همین اکنون در ولایاتی که شبکه حقانی نفوذ دارد، فعالیت می‌کند.

او گفته است: «همان زمان ما همه‌گی را اطلاع دادیم که خانم هدر بار در رابطه با خیانت تیم هیومن فرست سکوت کرد و برای ما گفت که ما شما سه خواهر را به

طالبان تصویر نقاشی شده عبدالعلی مزاری را در کابل تخریب کردند



۸صبح، کابل: منابع محلی در غرب کابل می‌گویند که طالبان تصویر نقاشی شده عبدالعلی مزاری را در این شهر تخریب کرده‌اند. منابع در غرب کابل روز سه‌شنبه، ۱۱ دلو، با فرستادن عکس‌هایی از یک دروازه تزیین شده با تصویر عبدالعلی مزاری به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که طالبان تصویر او را از بین برده‌اند.

در عکس‌های فرستاده شده دیده می‌شود که طالبان تصویر عبدالعلی مزاری بر فراز پل سوخته در کوته سنگی را سوراخ سوراخ کرده‌اند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

عبدالعلی مزاری، رهبر پیشین حزب وحدت اسلامی افغانستان، در دوره نخست حاکمیت طالبان از سوی این گروه بازداشت و کشته شد.

زن حامله‌ای در جوزجان با دوگانه‌گی هایش خودکشی کرد

۸صبح، جوزجان: منابع محلی در جوزجان می‌گویند که یک زن حامله با دوگانه‌گی‌های در بطنش خودکشی کرده است.

منابع محلی به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این رویداد روز یک‌شنبه، ۱۰ دلو، در روستای عیدمحل شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، رخ داده است.

بر پایه اطلاعات منابع، این زن در پی خشونت‌های خانوادگی با نوشیدن مقداری از تیزاب به زنده‌گی خود پایان داده است.

گفتنی است که اخیراً رویدادهای خشونت علیه زنان در جوزجان افزایش یافته است.

در تازه‌ترین رویدادهای از این دست دو نوجوان در ولایت‌های بلخ و بدخشان خودکشی کردند.

شاهراه کابل - غور در پی برفباری سنگین مسدود شد



۸صبح، غور: منابع محلی می‌گویند که شاهراه کابل - غور در نتیجه ریزش سنگین برف به‌روزی ترافیک مسدود شده است.

منابع محلی در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که شاهراه کابل - غور دوشنبه‌شب، ۱۰ دلو، در مربوطات کوتل بکک به‌روزی رفت‌وآمد بسته شده است.

طالبان در غور مسدود شدن شاهراه کابل - غور را تأیید کرده‌اند؛ اما در مورد بازگشایی این شاهراه چیزی نگفته‌اند.

در پی برفباری‌های شدید، زمستان امسال این مسیر چندین بار به روی ترافیک بسته شد.

غور از ولایت‌های سردسیر افغانستان است. هم‌ساله در فصل سرما راه‌های این ولایت به علت ریزش برف به‌روزی رفت‌وآمد بسته می‌شود.

طالبان به غصب ملکیت های شخصی و عامه متهم اند



۸ صبح، پنجشیر

ریاست زراعت، آبیاری و مال داری طالبان در پنجشیر صدها جریب زمین زراعتی و خانه‌های رهایشی را زیر نام زمین‌های «امارتی» شناسایی و مشخصات آن را ثبت کرده است. مسوولان ریاست زراعت طالبان هدف ثبت ملکیت‌های «امارتی» را جلوگیری از غصب ملکیت‌های دولتی توسط افراد و استرداد آن به دولت عنوان می‌کنند و می‌گویند که تنها زمین‌های بدون قبالة را ضبط می‌کنند. باشندگان محل اما توضیح می‌دهند که بیشتر زمین‌های زراعتی و خانه‌های رهایشی در پنجشیر ملکیت‌های میراثی است و قبالة، سند شرعی و یا عرفی ندارد. آنان این اقدام طالبان را غصب ملکیت‌های شخصی و عامه زیر نام «زمین‌های امارتی» می‌دانند. با این حال، آگاهان مسایل حقوقی می‌گویند که ملکیت و یا جایزادی که بر بنیاد عرف تقسیم شده باشد، از لحاظ حقوقی اشکالی ندارد و در صورت اختلاف، تنها افراد می‌توانند ادعای ملکیت آن را داشته باشند، نه دولت. احمد (نام مستعار) یکی از ساکنان ولسوالی شتل ولایت پنجشیر است. او که به دلیل مشکلات امنیتی نمی‌خواهد نام اصلی‌اش در گزارش ذکر شود، می‌گوید

که طالبان روند غصب جایزادهای مردم پنجشیر را زیر نام تثبیت زمین‌های «امارتی» آغاز کرده‌اند. به گفته او، ریاست زراعت، آبیاری و مال داری زیر اداره طالبان از حدود سه ماه به این سو روند بررسی ساحات را آغاز کرده و تاکنون دست‌کم ۵۰۰ جریب زمین را زیر نام «زمین‌های امارتی» شناسایی کرده است. احمد در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌افزاید: «طالبان روند ثبت زمین‌ها و برخی از جایزادها را از ولسوالی شتل آغاز کرده‌اند و حالا به ولسوالی عنابه رسیده‌اند. اکثریت این زمین‌ها شخصی است و فقط جاهای محدودی شاید ملکیت دولتی باشد. تنها در همین دو ولسوالی کم‌وبیش ۵۰۰ جریب زمین را امارتی ثبت کرده‌اند.» ریاست زراعت در پنجشیر نه تنها زمین‌های زراعتی، بلکه خانه‌ها و باغ‌هایی که بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارند را نیز زیر نام ملکیت‌های «امارتی» ثبت کرده‌اند. عبدالله (نام مستعار) یکی از بزرگان قومی در ولسوالی عنابه، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که طالبان زمین و خانه‌های بدون قبالة را «امارتی» می‌پندارند و می‌خواهند آن را تصرف کنند. این بزرگ قومی تأکید می‌کند که بیشتر زمین‌های زراعتی و جایزادها در پنجشیر قبالة شرعی ندارد؛ زیرا جایزادهای میراثی است که از پدر و پدر کلان

می‌گردد. او علاوه می‌کند: «زمین‌ها و جایزادهای دیگری که تثبیت شده‌اند، قبالة و برگه مالیه‌دهی از گذشته‌ها تاکنون ندارند و برخی مالکان هتل‌ها در شتل این را می‌پذیرند و در عنابه هم هیچ سند ملکیت و سند میراث ندارند. هر کدام این افراد ۱۰ یا ۱۱ سال پیش خودسرانه اعمار کرده‌اند. تقسیمات اگر میان مردم هم شده باشد، ناعادلانه تقسیم گردیده است.»

در همین حال، آگاهان مسایل حقوقی می‌گویند، جایزادهایی که بر بنیاد عرف حاکم در یک منطقه تقسیم شده باشد، از لحاظ حقوقی اشکالی ندارد و تقسیمات آن مدار اعتبار است. آرش شهپرپور، استاد دانشگاه و آگاه امور حقوقی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «یکی از منابع نظام حقوقی افغانستان عرف است. جایزادهای مردم افغانستان اکثراً با عرف محل توزیع و به ترکه می‌رسند. به نظر می‌رسد که فیصدی زیادی از جایزادهای مردم افغانستان با عرف دست‌به‌دست شده و می‌شوند. پنجشیر تافته جدابافته از بقیه افغانستان نیست. جایگاه و اعتبار عرف روشن است. قانون اساسی و قانون مدنی به آن اعتبار داده است. حتا دادگاه‌ها پرونده‌ها را به عرف ارجاع کرده‌اند.»

این آگاه مسایل حقوقی که برخورد طالبان با شهروندان غیرپشتون را عقده‌ای و انتقام‌جویی توصیف می‌کند، می‌افزاید: «هرگاه جایزادهای دولتی را قرار است شناسایی کنند و دوباره از نزد مردم گرفته شود، اول تصمیم‌شان حالت تعمیمی داشته باشد. از شهر کابل شروع تا قندهار، ننگرهار، خوست، بلخ و پنجشیر یکسان عمل شود. از این‌که تصمیم‌های امارت زیر چتر اسلام در پنجشیر عملی می‌شود، خود نوعی جفا در حق مردم، دین اسلام و وحدت مردم افغانستان است.»

این آگاه مسایل حقوقی در حالی برخورد طالبان با باشندگان پنجشیر را عقده‌ای و نادرست توصیف می‌کند که طالبان از این پیش محدودیت‌های زیادی بر باشندگان این ولایت وضع کرده‌اند. محدودیت در استفاده از گوشی هوشمند، تبعیض در توزیع کمک به نیازمندان، برخورد دوگانه با کارمندان اداری و غیره از نمونه‌هایی است که باشندگان پنجشیر از آن شکایت دارند.

در کنار این همه، افراد طالبان ده‌ها باشندگان ولایت پنجشیر را که در کنار جاده عمومی این ولایت خانه داشتند، کوچ اجباری داده و خانه‌های آنان را به جنگ‌جویان خود واگذار کرده‌اند. باشندگان محل می‌گویند که طالبان بیشتر خانه‌هایی را تخلیه کرده‌اند که به صورت پخته و اساسی اعمار شده است. باشندگان پنجشیر از این پیش به نقل از طالبان گفته‌اند که مردم پنجشیر در نظام جمهوریت وظیفه داشتند و جایزادهای‌شان نیز مربوط به حکومت بوده است. مسوولان محلی پنجشیر اما این ادعا باشندگان محل را رد کرده‌اند.

ترومای فقر و زمستان سرد؛

بازار لیلامی فروشان در کندز رونق گرفته است

۸ صبح، کندز

همزمان با گسترش دامنه فقر و تشدید سرما در ولایت‌های سردسیر کشور، بازار لیلامی‌فروشی‌ها در کندز رونق بیشتری پیدا کرده است. انبار کالاهای زمستانی با رنگ‌های متفاوت در حالی بازار لیلامی‌فروشی کندز را رنگین تر ساخته که سرمای بی‌پیشینه سبب شده بهای کالاهای مُد روز، مواد خوراکی، مواد سوخت و البسه زمستانی در مناطق سردسیر تا حدی افزایش یابد. از سوی دیگر، قدرت خرید شهروندان در یک‌ونیم سال گذشته به دلیل بحران اقتصادی و سیاسی حاکم در کشور به تدریج کاهش یافته است. باشندگان کندز لباس‌های لیلامی را مقرون به صرفه می‌دانند و از طالبان می‌خواهند تا سیاست‌های اقتصادی بهتری روی دست بگیرند و زمینه کار را برای همه شهروندان به‌ویژه جوانان این ولایت فراهم کنند.

شاه‌مری، یکی از باشندگان ولایت کندز است که سردی هوا وادارش ساخته تا به سرای لیلامی‌فروشی در شرق شهر کندز سر بزند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح، می‌گوید که به دلیل فقر، تنگ‌دستی، نبود کار و ضعف اقتصادی به این بازار آمده است تا لباس گرم برای کودکانش خرید کند. شاه‌مری می‌افزاید: «امروز آمدم به خاطر لیلامی تا از این جا لباس لیلامی بخرم. اقتصاد مردم

ضعیف است، از دکان‌های مغازه لباس خریده نمی‌توانیم. این‌جا می‌آیم لیلامی می‌خرم، چون لیلامی ارزان است.» خالد، باشندگان سرک سر دوره شهر کندز، می‌گوید که سرمای شدید زمستان و بیکاری سبب شده است تا نتواند از دکان‌های مشهور شهر لباس جدید و مُد روز خریداری کند. خالد که صاحب سه فرزند است، به بازار لیلامی آمده است تا بار سنگین روزگار را با خرید لباس‌های زمستانی برای اعضای خانواده‌اش سبک‌تر بسازد. او می‌افزاید: «آمده‌ام امروز که کمی لباس بخرم، به خاطر سردی هوا. رقیم از دکان‌ها خریده نتوانستم، قیمتی زیاد بود. لیلامی خوب است، ارزان است و در این وقت بیکاری کمی اقتصادی تمام می‌شود.»

بیکاری، نبود برق، بلند رفتن بهای مواد سوختی و فرار سرمایه و سرمایه‌گذاران از یک سو و سرمای استخوان‌سوز، فقر و گرسنگی از سوی دیگر باشندگان کندز را در تنگنای روزگار قرار داده است. پایین آمدن توان خرید سبب شده که افراد بیشتری نسبت به سال‌های گذشته لباس مورد نیاز خود را از لیلامی‌فروشی‌ها تأمین کنند. روی همین دلیل بازار لیلامی‌فروشی در ولایت کندز رونق یافته و مشتریان زیادی روزانه بر درب این دکان‌ها برای خرید صف می‌بنندند.

در همین حال، لیلامی‌فروشان با ابراز رضایت از بهبود کار خود می‌گویند که فقر اقتصادی و زمستان سرد

سبب شده که افراد بیشتری به خرید لباس‌های لیلامی رو بیاورند. غلام‌فاروق (نام مستعار) یکی از دکان‌داران در سرای لیلامی‌فروشی در شرق شهر کندز، می‌گوید: «کاروبار ما بسیار زیاد خوب شده است. سردی هوا سبب شده. مردم هم توانایی اقتصادی‌شان ضعیف است، پول و سرمایه ندارند. از سال‌های قبل کرده امسال برای ما خوب فروشات است، به خاطر که یک زمستان سخت آمده، هوای سرد آمده است. دیگر خرید و فروش ما امسال خوب است.» این لیلامی‌فروش توضیح می‌دهد که لباس‌های مستعمل از کشورهای اروپایی و امریکا به پاکستان فرستاده می‌شود و سپس یک قسمت آن برای فروش به افغانستان انتقال می‌یابد.

در حال حاضر یک جمپر زمستانی که در دکان‌ها به سه هزار افغانی به فروش می‌رسد، در بازار لیلامی می‌توان آن را بین ۴۰۰ تا یک هزار و ۵۰۰ افغانی به دست آورد. همچنان یک جاکت گرم زمستانی جدید بین یک هزار تا یک هزار و ۵۰۰ افغانی فروخته می‌شود، اما در بازار لیلامی بین ۱۵۰ تا ۴۰۰ افغانی به دست می‌آید. به همین ترتیب بیشتر کالاهای می‌توان از لیلامی‌فروشی‌ها با کمتر از ۴۰ درصد نرخ دکان‌ها به دست آورد. با این حال، داکتران توصیه می‌کنند که شهروندان پیش از پوشیدن لباس‌های لیلامی از پاک بودن آن‌ها اطمینان حاصل کنند تا از بیماری‌های جلدی در امان باشند.

داکتر احمد مختار (نام مستعار) یکی از داکتران جلدی در ولایت کندز، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «توصیه من به مردم این است که قبل از استفاده، لباس‌های لیلامی را با صابون ضد عفونی شست‌وشو کنند. لباس‌های لیلامی را اتو کنند و بعد از آن استفاده کنند. در صورتی که این کار را نکنند، ممکن به امراض جلدی از جمله اسکبیس یا خارش‌های موسومی مصاب شوند.»

بازار لیلامی‌فروشی در حالی نسبت به سال‌های قبل در کندز رونق بیشتری یافته که افغانستان در یک سال و هفت ماه گذشته دچار بحران اقتصادی شده است. نبود زمینه‌های کاری، افزایش فقر، از بین رفتن هزاران شغل، خشک‌سالی و سردی بیش از حد هوا سبب شده که توان خرید شهروندان به حد قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد. باشندگان کندز که روان‌شان را بیکاری و فقر برهم زده است، از طالبان می‌خواهند تا سیاست‌های اقتصادی بهتری روی دست بگیرند و زمینه کار را برای همه شهروندان به‌ویژه جوانان این ولایت فراهم بسازند.

سرمای بی‌پیشینه در کشور سبب شده که بهای لباس‌های زمستانی و مواد سوختی در ولایت کندز افزایش یابد. هرچند سرمای زمستان تلفاتی در این ولایت نداشته، اما زبان‌های مالی وارد کرده است. منابع صحی گزارش می‌دهند که سردی استخوان‌سوز و بی‌پیشینه در کشور بسیاری از کودکان را دچار بیماری‌های تنفسی ساخته و جان شماری از افراد را در ولایت‌های بدخشان و بغلان، دو همسایه ولایت کندز، گرفته است. به گفته منابع، سردی هوا و بیماری‌های ناشی از آن جان ۳۳ تن را در بدخشان و ۱۸ تن دیگر را در ولایت بغلان گرفته و دست‌کم ۳۰ خانه را در تخار تخریب کرده است. همچنان صدها راس دام در این ولایت‌ها تلف شده‌اند.

اقتصاد افغانستان؛

فرصت‌های محدود یا موانع
پیش از حد؟

الهام کبیر

سال ۲۰۲۱ داشته است، به‌ویژه پنج میلیارد و ۱۰۹،۲۸ میلیون دالر واردات در مقابل ۸۵۰،۱۰ میلیون دالر صادرات تا دسامبر ۲۰۲۱. مهم‌تر از همه، بیش از ۷۰ درصد جمعیت در فقر زنده‌گی می‌کنند و به کمک‌های بشردوستانه نیاز اساسی دارند. همچنین میلیون‌ها تن از کشور گریخته‌اند و بسیاری در تلاش برای فرارند.

چرا؟

ساختار مالی و سیاسی افغانستان مبتنی بر ایده اقتصاد مستقیم و سیاست بازار برای مردم افغانستان نیست، بلکه حول محورهای متعددی مانند اقتصاد جنگ، اقتصاد مواد مخدر، اقتصاد فساد و غیره متمرکز شده است. (۱) اقتصاد ناچیز افغانستان به‌شدت به مواد مخدر وابسته است. در سال ۲۰۰۸، صادرات تریاک، مورفین و هرویین در مقایسه با تولید ناخالص داخلی ۱۰،۲ میلیارد دالر، ارزش بالقوه ۳،۴ میلیارد دالر داشت. براساس گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل، هرویین به‌طور متوسط در افغانستان ۲،۵۰ دالر در هر گرم، در پاکستان و ایران ۳،۵۰ دالر، در ترکیه ۸ دالر، در آلبانیا ۱۲ دالر، در اسلواکی ۱۸ دالر، در روسیه ۳۳ دالر، در بریتانیا ۳۰ دالر و در آلمان ۲۲ دالر قیمت دارد. براساس گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC)، تولید تریاک از سال گذشته به‌طور کلی در افغانستان ۳۲ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این، اعلام شده است که درآمد کشاورزان از فروش تریاک، از ۴۲۵ میلیون دالر امریکایی در سال ۲۰۱۷ به ۱،۴ میلیارد دالر در سال ۲۰۲۱، افزایش یافته است. تخمین می‌شود که در سال ۲۰۲۲ ارزش تریاک در افغانستان شش هزار و ۲۰۰ تن به ارزش ۱،۵۵ میلیارد دالر بوده باشد و صادرات آن به بازار اروپا حدود ۱۳۶،۴ میلیارد دالر تخمین شده است که ۱۵ تا ۲۰ درصد آن به کشاورزان و قاچاق‌چیان داخلی افغانستان می‌رسد و مابقی به قاچاق‌چیان منطقه‌ای و کمسیون‌های تامین‌کننده تعلق می‌گیرد. (۲) بازسازی نیروهای امنیتی افغانستان، نهادهای دولتی غیرنظامی، اقتصاد و جامعه مدنی افغانستان، ۱۴۵ میلیارد دالر در ۲۰ سال گذشته برای دولت امریکا هزینه داشته است. براساس آمار وزارت دفاع، ۸۳۷ میلیارد دالر در طول سال‌های گذشته برای جنگ در افغانستان هزینه شده است که اکثریت آن توسط پیمان‌کاران و شرکت‌های بزرگ به سرقت رفته است.



(۳) گزارش SIGAR کل مبلغ اهداشده توسط ایالات متحده را به تنهایی ۱۴۵ میلیارد دالر به‌عنوان کمک انکشافی در ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد. همان‌طور که SIGAR اشاره کرده، اتهامات قابل توجهی در مورد «تلافی، تقلب و سوءاستفاده» علیه تلاش‌های بازسازی ایالات متحده در افغانستان وجود دارد. همچنین فساد داخلی میلیون‌ها دالر را به جیب فرماندهان، جنرال‌های همکار با گروه‌های دولتی و اخاذی‌های سیاسی سرازیر کرده است که در عین حال باعث شده پس از سقوط جمهوری اسلامی افغانستان، تقریباً دو میلیون تن از افغانستان فرار کنند. هنوز هم روند فرار ادامه دارد. از سوی، طبق گزارش سازمان ملل، بیش از ۵۰۰ هزار تن بیکار شده‌اند. تقریباً ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت کشور به کمک‌های بین‌المللی وابسته‌اند و اکثریت جمعیت کشور برای پیوستن به بازار کار عربستان سعودی، قطر، امارات و غیره ثبت نام می‌کنند. این همه در حالی صورت می‌گیرد که افغانستان با داشتن پتانسیل عظیم متذکره، هنوز هم بیچاره و غریب است، در حالی که میلیارد‌ها دالر از اقتصاد غیرمستقیم (اقتصاد جنگ، اقتصاد مواد مخدر و اقتصاد فساد اداری) خلاف اقتصاد مستقیم یا تولید ناخالص ملی، به جیب این و آن می‌رود. این امر سبب شده که افغانستان فقیر بماند.

در سال ۲۰۲۰، تولید ناخالص داخلی سرانه در افغانستان ۵۲۹ دالر تخمین زده شده است؛ به این معنا که اوسط درآمد یک افغان سالانه ۴۶ هزار افغانی است. در مقابل، بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱، درآمد سالانه در ایران دو هزار و ۷۵۶ دالر تخمین زده شده است، پس از آن درآمد پاکستان یک هزار و ۵۳۷ دالر، هند دو هزار و ۲۷۷ دالر، تاجیکستان یک هزار و ۹۸۳ دالر و اوزبیکستان ۸۹۷ دالر است.

برای بخش نساجی در حال توسعه خود وارد می‌کند. سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های تامین کارآمد ممکن است یک پارچه‌گی منطقه‌ای را تقویت کند، درآمد مالیاتی را برای افغانستان و اوزبیکستان افزایش دهد و هزینه‌های حمل‌ونقل پاکستان را کاهش دهد. (۴) افغانستان همچنین ممکن است به‌عنوان نقطه کانونی مدیریت مشترک مرزها عمل کند. می‌توان خط همکاری را در امتداد مرز تاجیکستان ترسیم کرد؛ مرزی که در دوران شوروی به‌شدت تقویت شد. پل‌های ساخته‌شده توسط بنیاد آغاخان، انجام مبادلات تجاری و سایر مبادلات را در سراسر مرز، از جمله استفاده بیماران افغان از شفاخانه‌های تاجیکستان، آسان کرده است.

ج- کاپیتول انسانی

(۱) بسیاری از مردم از سال ۲۰۰۱ سرمایه‌های هنگفتی را جمع‌آوری کرده‌اند و ثروت دیاسپورای افغان به میلیارد‌ها دالر می‌رسد. مانع اصلی بسیج این سرمایه، نبود معماری مالی و سیاسی است. براساس مطالعه انجام‌شده توسط کمیساریای عالی پناهنده‌گان سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار، افغان‌های شاغل در ایران سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دالر معادل حدود شش درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را به افغانستان ارسال می‌کنند. (۲) افغان‌های مقیم خلیج، پاکستان، روسیه، اروپا و ایالات متحده امریکا علاقه جدی به سرمایه‌گذاری در کشور خود نشان داده‌اند. فساد، ناامنی و فقدان قوانین و سیاست‌های مشخص، فرصت را از کشور سلب کرده و در عوض، جریان پول در جهت مخالف حرکت کرده است. هر سال میلیارد‌ها دالر از اقتصاد افغانستان به خلیج فارس و دیگر پناهگاه‌های امن فرار می‌کند.

براساس مفهوم واقعی «عرضه و تقاضا»، موارد ذکرشده ممکن است افغانستان را با بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط کند؛ مانند: (۱) تخمین می‌شود که ۲،۹۵ میلیارد دالر امریکایی مستقیماً توسط هندی‌ها در ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ سرمایه‌گذاری شده باشد؛ (۲) تخمین شده که در سال ۲۰۲۱، ۳۸،۲۵ میلیارد دالر توسط شرکت‌های چینی در مشاغل امریکایی سرمایه‌گذاری شده است. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶، این میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. با این حال، در سال ۲۰۲۱، سرمایه‌گذاری مستقیم ایالات متحده در بازار جهانی بالغ بر ۶،۴۹ تریلیون دالر امریکایی با ارزش حدود ۱۲،۳ میلیارد دالر در روسیه بوده است. در مقابل، افغانستان با بیش از سه تریلیون دالر منابع طبیعی، سرمایه عظیم مالی و انسانی و جغرافیایی که آسیا را از نظر تجارت، انرژی، ترانزیتی و غیره به هم متصل می‌کند، کسری تجاری چهار میلیارد و ۴۵۷،۷۰ میلیون دالری در

از تاجیکستان، ۱۷ درصد از ترکمنستان و ۵۷ درصد از اوزبیکستان وارد می‌شود که صدها میلیون دالر در سال برای افغانستان هزینه دارد. همچنان میزان جریان آزاد آب‌های افغانستان به سمت همسایه‌گانی مانند ایران و پاکستان موضوع متفاوتی برای بحث است. برای افغانستان و همسایه‌گانش، استفاده پایدار از آب برای تولید انرژی، تامین آب آشامیدنی و به‌عنوان منبعی برای تجارت و زراعت می‌تواند سرمایه‌گذاری عاقلانه‌ای باشد. (۳) افغانستان کشوری است با پتانسیل‌های کشاورزی عظیم و سابقه طولانی در صادرات میوه‌های خشک به هند و خاورمیانه. سرمایه‌گذاری در کشاورزی می‌تواند درآمد روستایی را از یک دالر به چهار دالر در روز افزایش دهد که در مقایسه با کشت تریاک منافع بیشتر دارد. تجربه غرب ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ و تجربه شرق آسیا در همان دوره، طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها را در افغانستان فراهم می‌کند.

ب- موقعیت یا ژئوپلیتیک

(۱) موقعیت جغرافیایی افغانستان امکان اتصال چین، آسیای جنوبی، کشورهای خلیج فارس و آسیای مرکزی را از طریق زمین فراهم می‌کند. تجزیه و تحلیل زمین‌شناسی نشان می‌دهد که خطوط لوله از طریق افغانستان می‌توانند گاز را از آسیای مرکزی به آسیای جنوبی منتقل کنند. (۲) انتقال آب ممکن است به همان اندازه مهم باشد، زیرا ایران علاقه‌مند ایجاد سیستم تبادل آب و نفت با افغانستان و آسیای مرکزی است. (۳) پتانسیل ترانزیت نیز بسیار زیاد است. اوزبیکستان سالانه ۸۰۰ هزار تن پنبه تولید می‌کند که اکنون از طریق چندین کشور انتقال داده می‌شود و هزینه‌های حمل‌ونقل بالایی را متحمل می‌شود. خلاف آن، پاکستان سالانه تقریباً ۲،۲ میلیون عدل پنبه را

افغانستان به دلیل مزیت‌ها و پتانسیل‌های بزرگ خود شناخته شده است. به‌طور خاص، سرمایه طبیعی، ژئوپلیتیک، مالی، انسانی و... به رغم امتیازات برجسته، افغانستان فاقد همه چیز است. برای دهه‌ها، این کشور به‌عنوان یک دولت حایل در برابر ایدئولوژی‌های مخالف، ساختارهای دولتی رقیب، امپراتورها و آخرین بار گروه‌های قومی عمل کرده است. اکثر مستعمرات غربی یا کشورهای حایل، از جمله تایوان، جاپان، هند و غیره، سیستم‌های اقتصادی و سیاسی خود را با هر حادثه‌ای توسعه داده‌اند و در نتیجه، اکنون هر یک از آن‌ها حداقل یک قدرت منطقه‌ای و جهانی را نمایندگی می‌کند. برعکس، پس از هر ایزود پساده ۶۰-۷۰، تغییرات قابل توجهی در افغانستان مشاهده شده است، از جمله زندانی شدن جوانان، فرار مغزها، تعدیل ساختارهای اداری، توقف سیستم مالی، انحلال ارتش، تغییر ارزش‌های فرهنگی و غیره. پدیده‌های متذکره نه‌تنها در افغانستان رخ می‌دهد، بل تاریخ جهان نشان داده است که بیشتر ملت‌ها دچار چنین مشکلاتی شده‌اند، اما بر موضع خود ایستاده و مسیر وقایع را تغییر داده‌اند، در حالی که در افغانستان هنوز برعکس است.

در سال ۲۰۲۰، تولید ناخالص داخلی سرانه در افغانستان ۵۲۹ دالر تخمین زده شده است؛ به این معنا که اوسط درآمد یک افغان سالانه ۴۶ هزار افغانی است. در مقابل، بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱، درآمد سالانه در ایران دو هزار و ۷۵۶ دالر تخمین زده شده است، پس از آن درآمد پاکستان یک هزار و ۵۳۷ دالر، هند دو هزار و ۲۷۷ دالر، تاجیکستان یک هزار و ۹۸۳ دالر و اوزبیکستان ۸۹۷ دالر است. پتانسیل افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و رسیدن به دو هزار و ۸۰۰ تا سه هزار دالر در سال در افغانستان همچنان موجود است.

چگونه؟

الف- منابع طبیعی

منابع طبیعی غنی در افغانستان: (۱) براساس تحلیل اخیر ایالات متحده امریکا، منابع طبیعی افغانستان از جمله مس، آهن و سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی حداقل سه تریلیون دالر ارزش دارد. (۲) تصور می‌شود که تنها ۱۰ درصد از ۲۱۳،۵ میلیارد متر مکعب آب افغانستان که عمق آن ۳۲۷ ملی‌متر است، برای کشاورزی و تولید برق استفاده می‌شود. افغانستان ظرفیت تولید بیش از ۲۳ هزار مگاوات برق آبی را از منابع خود دارد، اما این کشور اکنون کمی بیش از ۶۰۰ مگاوات برق از چندین نیروگاه برق آبی خود و همچنین با استفاده از سوخت‌های فسیلی و صفحات خورشیدی تولید می‌کند. در حال حاضر آمارها حاکی از آن است که ۷۳ درصد از انرژی برقی افغانستان به همسایه‌گان آن وابسته است. مشخصاً، ۲۲ درصد از ایران، چهار درصد

ساختار مالی و سیاسی افغانستان مبتنی بر ایده اقتصاد مستقیم و سیاست بازار برای مردم افغانستان نیست، بلکه حول محورهای متعددی مانند اقتصاد جنگ، اقتصاد مواد مخدر، اقتصاد فساد و غیره متمرکز شده است. (۱) اقتصاد ناچیز افغانستان به‌شدت به مواد مخدر وابسته است. در سال ۲۰۰۸، صادرات تریاک، مورفین و هرویین در مقایسه با تولید ناخالص داخلی ۱۰،۲ میلیارد دالر، ارزش بالقوه ۳،۴ میلیارد دالر داشت.

بازنشسته‌گان منتظر تصمیم هبت‌الله هستند

با گذشت حدود یک سال و شش ماه از آغاز سلطه طالبان بر کشور، هنوز هم حقوق بازنشسته‌گان پرداخته نشده است. کارمندان ملکی و نظامی بازنشسته که سال‌ها برای شهروندان خدمت کرده‌اند، در این جریان با مشکلات فراوانی روبه‌رو شده‌اند. آنان ضمن انتقاد از عدم پرداخت حقوق سالانه بازنشستگی از سوی طالبان، می‌گویند که در کپولت سن با فقر و بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما طالبان به بهانه‌هایی از پرداخت حقوق آنان شانه خالی می‌کنند. شمار زیادی از بازنشسته‌گان حکومت پیشین که جوانی خود را صرف خدمت به دولت کرده‌اند، اکنون هیچ درآمدی ندارند و خاطر نشان می‌سازند که حتی توانایی خرید مواد سوخت برای زمستان و دارو برای تسکین دردهای خود ندارند. آنان خواستار پرداخت هرچه زودتر حقوق سالانه خود از خزانه دولت‌اند؛ خزانه‌ای که زیر کنترل طالبان قرار دارد. وزارت مالیه زیر اداره طالبان می‌گوید که طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گان از سوی کابینه این گروه تصویب شده، اما منتظر دستور ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، هستند تا روند پرداخت آن را آغاز کنند.

بریالی، یکی از بازنشسته‌گان در ولایت کابل است. او مدت ۱۹ سال در بخش جواز راننده‌گی ریاست ترافیک ولایت هرات وظیفه انجام داده است. برای او که حدود ۶۰ سال سن دارد، از دو سال به این سو حقوق سالانه‌اش را دریافت نکرده است. این بازنشسته کشور در صحبت با روزنامه ۸صبح روایت تلخی از برهم خوردن نظم خانواده‌اش به دلیل مشکلات اقتصادی دارد. برای او می‌گوید: «پرداخت نشدن پول تقاعد مشکلات زیادی برایم به بار آورده است. با هر بار مراجعه، وعده پرداخت را می‌دهند، اما خبری از پرداخت این پول نیست. پولی برای خریدن چوب ندارم. یک پسرم معتاد است و پسر دومی‌ام عروسی کرده است. پسر سوم‌ام پس از آن که مشکلات اقتصادی ما بیشتر شد، به ایران رفت و چندین کمکی هم برای ما نمی‌کند؛ چون در آن کشور هم حقوق خوب نمی‌دهند. ۱۹ سال خدمت کردم و هیچ فکر نمی‌کردم که یک روز به این وضعیت برسم.»

بریالی در سال ۱۴۰۰ خورشیدی بازنشسته شد و از آن زمان تاکنون بارها نزد طالبان برای دریافت حقوقش مراجعه کرده، اما موفق به دریافت آن نشده است.

در کنار بریالی بازنشسته‌گان زیادی هستند که طالبان را



۸صبح، پروان

به وعده‌خلافی متهم می‌کنند و می‌گویند که این گروه اراده جدی برای پرداخت حقوق بازنشسته‌گان ندارد. محمداصداق، یکی از کارمندان پیشین شهرداری شهر کابل، دست‌کم ۱۵ سال در بخش نظیف این نهاد وظیفه انجام داده و از پنج سال به این سو بازنشسته شده است. محمداصداق ۷۵ ساله، اکنون در بستر بیماری به سر برد و دردهای مزمن پای و کمر آرامش را روده است. او حتی به‌آسانی توانایی راه رفتن را ندارد.

محمداصداق به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «وضعیت را خودت می‌بینی، توانایی ایستادن را ندارم. در این وضعیت هم چندین بار با موتر به خاطر گرفتن تقاعدی انتقالم دادند، اما امروز و فردا کرده پول ما را نمی‌دهند. همین حالا توانایی خرید نسخه دکتر و شفاخانه رفتن را هم ندارم، چه رسد به خرید زغال و مواد خوراکی خانه. دو سال است که امروز و فردا می‌گویند، اما حقوق ما را پرداخت نمی‌کنند.»

شیرپادشاه، یکی از بازنشسته‌گان ارتش دولت پیشین، می‌گوید: «همین اکنون ماهی سه هزار افغانی در کابل

من کرایه خانه می‌دهم، جدا از بل برق و مصارف دیگر. از دو سال به این سو پول قرض گرفته‌ایم و مصرف می‌کنیم. از دکانی که قرض‌دار هستم، طرفش رفته نمی‌توانم. باید هرچه زودتر حقوق ما را پرداخت کنند و این حق ما است. پولی است که در زمان وظیفه از معاشات ما کم می‌شد. بهانه‌های ناقص نکنند. اگر نمی‌دهند، ما را سرگردان نکنند و واضح بگویند که ما معاشات را پرداخت کرده نمی‌توانیم تا بفهمیم، ما خیرات هم نتوانستیم، این حق ما است.»

با این حال، وزارت مالیه طالبان اعلام کرده که طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گان از سوی کابینه این گروه تصویب شده و به‌زودی روند پرداخت آن آغاز خواهد شد. احمدولی حقمیل، سخنگوی وزارت مالیه طالبان، در صحبت با رسانه‌ها گفته است که طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گی از سوی کابینه تصویب شده و برای هدایت ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، فرستاده شده است. به گفته او، هر هدایتی که از سوی رهبری این گروه صادر شود، وزارت مالیه مطابق آن عمل خواهد کرد. سخنگوی وزارت مالیه

طالبان چند ماه پیش نیز گفته بود که طرح پرداخت حقوق بازنشسته‌گان از سوی شورای وزیران این گروه نهایی شده و در این زمینه منتظر پاسخ نهایی رهبر خود هستند. طالبان در حالی در پرداخت حقوق و امتیازات بازنشسته‌گان تعلل می‌کنند که رهبران این گروه در مورد پرداخت این پول اختلاف نظر دارند. در موردی مقام‌های طالبان پرداخت پول تقاعدی را حرام توصیف کرده‌اند، اما بعدها نظر خود را تغییر داده و تعهد داده‌اند که این حق کارمندان پیشین ملکی و نظامی دولت پرداخته خواهد شد.

براساس آمارهای موجود، در جریان نظام جمهوری بین ۱۰۰ تا ۱۳۰ هزار بازنشسته در کشور حقوق سالانه خود را از اداره صندوق بازنشسته‌گان وزارت مالیه دریافت می‌کردند، اما با روی کار آمدن رژیم طالبان، این روند متوقف شده است. در ۱۸ ماه گذشته، برخی از این بازنشسته‌گان به دلیل ضعف اقتصاد خانواده‌های‌شان چندین بار اعتراض کرده و رژیم طالبان نیز بارها وعده داده است که حقوق بازنشسته‌گان را می‌پردازد، اما تاکنون به این وعده خود عمل نکرده است.

حقوق بازنشستگی در افغانستان نسبت به بیشتر کشورهای جهان، بسیار ناچیز است. یک بازنشسته دولت در دوران بازنشستگی کمتر از ۱۰ درصد حقوق خود را دریافت می‌کند. این حقوق هم در مقطع‌های زمانی و روی کار آمدن نظام‌های گوناگون در کشور دچار تغییر و نوسان بوده است. براساس قانون کار که در سال ۱۳۸۴ خورشیدی در افغانستان تصویب شد، سن بازنشستگی در کشور ۶۴ ساله‌گی تعیین شده و یک کارمند دولت برای بازنشسته شدن و دریافت حقوق و مزایای لازم باید ۳۶ سال در دولت وظیفه اجرا کرده باشد.

در قانون کار افغانستان، جزئیات بازنشستگی مشخص شده، اما در مورد حقوق این گروه افراد چیزی نیامده و به سند قانونی که رییس جمهور صادر می‌کرد، ارجاع داده شده است. به همین دلیل، حقوق بازنشسته‌گان در افغانستان همیشه تابع تصمیم دولت‌ها بوده است. در ۲۰ سال نظام جمهوری با این که میلیاردها دالر به افغانستان کمک شد، در حقوق بازنشسته‌گان هیچ تغییری به وجود نیامد. هرچند حقوق بازنشستگی در افغانستان بسیار کم است و برای زنده‌گی یک شخص نیز کفاف نمی‌دهد، اما بازنشسته‌گان می‌گویند که برای کمک به اقتصاد خانواده‌های‌شان به همین مقدار کم نیز قناعت دارند. مساله پرداخت حقوق بازنشستگی برای کارمندان دولت در حکومت پیشین نیز جنجالی بوده و همواره شکایاتی از شیوه کار اداره تقاعد و نگرانی از موجودیت فساد در این اداره مطرح می‌شد.



بر اساس آمارهای موجود، در جریان نظام جمهوری بین ۱۰۰ تا ۱۳۰ هزار بازنشسته در کشور حقوق سالانه خود را از اداره صندوق بازنشسته‌گان وزارت مالیه دریافت می‌کردند، اما با روی کار آمدن رژیم طالبان، این روند متوقف شده است.

مسئولیت‌پذیری و مسوولیت‌گریزی تی‌پی در پیوند به حمله پیشاور

علی‌سجاد مولایی

حین نماز ظهر روز دوشنبه، ۳۰ جنوری، دو مهاجم انتحاری مواد منفجره‌شان را درون یک مسجد در منطقه «پولیس‌لاین»، مربوط به پولیس پاکستان در شهر پیشاور منفجر کردند. این حمله تلفات ملکی و نظامی فراوان به همراه داشت و یکی از بی‌سابقه‌ترین حملات در چند دهه اخیر در پاکستان بود. در این حمله بیش از ۱۰۰ تن کشته و بیش از ۲۷۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. آخرین حمله بزرگ و مرگبار در پاکستان به دسامبر سال ۲۰۱۴ بازمی‌گردد که تحریک طالبان پاکستان بالای یک مکتب وابسته به ارتش در پیشاور حمله کرد و ۱۵۵ تن، به‌شمول دانش‌آموزان را کشتند. حمله روز دوشنبه در یکی از شلوغ‌ترین مکان‌های پیشاور رخ داده است. در منطقه «پولیس‌لاین» هشت دیپارتمنت مربوط به پولیس خیبرپختون‌خوا فعالیت می‌کند و روزانه بیش از هزاران مراجعه‌کننده از سراسر ایالت خیبرپختون‌خوا به این مکان برای حل مشکلات‌شان می‌روند. به احتمال قوی، حمله‌کننده‌ها با نشان دادن کارت هویت خود وارد این محل شده‌اند و مسجدی که در آن حمله به وقوع پیوسته، گنجایش حدود چند صد تن را در یک زمان دارد. این حمله از نظر مهندسی هم حساب‌شده انجام شده است. این بدان معنا است که حمله‌کننده اشراف کامل بر محل و هدف داشته است. مهاجمان مواد انفجاری‌شان را در کنار یکی از ستون‌های مسجد انفجار دادند که به این دلیل سقف مسجد فروریخت و افراد زیادی زیر آوار کشته و مجروح شدند.

مسئولیت‌پذیری و مسوولیت‌گریزی

در ساعات اولیه حمله، سربه‌کف مهند، یکی فرماندهان ارتش گروه جماعت احرار وابسته تی‌پی،

مسئولیت حمله را برعهده گرفت و آن را تلافی کشته شدن یک فرمانده ارتش‌دشان عنوان کرد. عمران طاهر، خبرنگار پاکستانی نیز ادعا کرد که احسان‌الله احسان، یکی دیگر از افراد تی‌پی نیز مسئولیت حمله را برعهده گرفته است؛ اما ساعاتی پس از حمله، محمد خراسانی، سخنگوی طالبان پاکستان، این موضوع را رد کرد. او تأکید کرد که براساس مرامنامه/منشور این گروه، افراد تی‌پی هیچ وقت مساجد و سایر اماکن عمومی را هدف قرار نمی‌دهند.

برخی از اعضای تی‌پی با معیار قرار دادن طالبان در افغانستان می‌گویند: «طالبان در افغانستان نیز صدها حمله انتحاری را انجام دادند و در آن‌ها به افراد ملکی آسیب رسیده است. آن زمان هیچ کسی اعتراض نمی‌کرد.» این دسته از اعضای طالبان پاکستان می‌افزایند: «اگر این شیوه عملیات برای افغانستان خوب بود، پس چرا برای پاکستان بد است؟» این گروه از اعضای تی‌پی این‌گونه حملات را بخشی از جهاد می‌پندارند؛ اما تاکنون واضح نیست که کدام دیدگاه در میان نیروهای تی‌پی اولویت دارد؟

انتقام قتل عمر خالد خراسانی؟

عبدالولی، معروف به عمر خالد خراسانی از فرماندهان ارتش تحریک طالبان پاکستانی بود که با نام‌های مستعار عبدالولی مهند، مفتی حسن و حافظ دولت‌خان نیز شناخته می‌شد. او در سال ۲۰۱۴ گروه جماعت احرار را شکل داد و چندی بعد با طالبان پاکستان بیعت کرد. در آگست سال ۲۰۲۲ میلادی در ولایت پکتیای افغانستان همراه با سه تن از محافظانش کشته شد. تی‌پی در آن زمان آی‌اس‌ای را مسوول این حمله قلمداد کرد. از خراسانی به‌عنوان

یکی از مخالفان مذاکره تی‌پی با دولت پاکستان یاد می‌شد. زمانی که او کشته شد، افراد وابسته و وفادار به او همواره سخن از انتقام می‌زدند. بعد از حمله روز دوشنبه، سربه‌کف مهمند از افراد نزدیک و وفادار به خراسانی، مسئولیت حمله را پذیرفت و آن را تلافی کشته شدن فرمانده‌شان عنوان کرد.

محمد خراسانی، سخنگوی تی‌پی، با رد کردن دخالت تی‌پی در این حمله گفت که اگر گروه‌های زیرچتر این گروه، این حمله را سازمان‌دهی کرده باشند، به شدت مجازات خواهند شد. این بدان معنا است که حتی خراسانی هم دست داشتن گروه‌های زیر چتر تی‌پی را انکار نمی‌کند. تا هنوز روشن نیست که رهبری تی‌پی در مورد جماعت احرار چه تصمیم خواهد گرفت؟ آیا نورولی محسود اعضای جماعت احرار را طرد خواهد کرد یا به همکاری با این گروه ادامه خواهد داد؟

آیا داعش خراسان مسوول حمله است؟

بعد از این که طالبان پاکستانی مسئولیت حمله را بر دوش نگرفتند، داعش خراسان ادعا کرد که این گروه مسوول حمله به مسجد پولیس‌لاین پیشاور است. به باور آگاهان، بیانیه منسوب به سایت اعماق که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، جعلی است. از طرف دیگر، داعش خراسان از نظر لوژیستیک و نظامی توانایی فعالیت در پاکستان را برای فعلا ندارد. ایالت خیبرپختون‌خوا مرکز تی‌پی است و بعید به نظر می‌رسد که داعش خراسان بتواند در این منطقه حمله‌ای با چنین بزرگی را طراحی کند.

داعش خراسان برای این که سر زبان‌ها باشد، همواره

مسئولیت حملاتی را برعهده می‌گیرد که سایر گروه‌ها به دلایل مختلف از گرفتن مسوولیت آن‌ها خودداری می‌کنند. به عبارت دیگر، داعش خراسان حملاتی را مسوولیت می‌گیرد که حتی در آن دخیل نبوده است. این موضوع در رابطه به حمله روز دوشنبه نیز صدق می‌کند. داعش خراسان از تاکتیک‌ها قبلی‌اش در افغانستان استفاده کرده است.

جمع‌بندی

چرا تی‌پی از مسوولیت حمله فرار می‌کند؟ تی‌پی احتمالاً به دو دلیل حمله روز دوشنبه را گردن نمی‌گیرد:

۱- نفرت عمومی در برابر حمله: بعد از انتشار آمار تلفات، موج عظیمی از نفرت عمومی در مقابل حمله پیشاور شکل گرفت و شهروندان پاکستانی خواستار مجازات شدید طراحان این حمله شدند. تی‌پی برای این‌که در میان مردم محبوبیت‌اش را از دست ندهد و با نفرت عمومی روبه‌رو نشود، مسوولیت حمله را برعهده نگرفت.

۲- انتقام ارتش از تی‌پی: به دلیل واکنش بی سابقه مردم در برابر حمله روز دوشنبه، نخست‌وزیر و رییس ستاد ارتش پاکستان به پیشاور سفر کردند و وعده سپردند که عاملان این حمله را مجازات خواهند کرد. شام روز سه‌شنبه نیز ارتش پاکستان جلسه اضطراری برگزار کرد. رانا ثناالله، وزیر داخله پاکستان، گفت که تروریسم در حال حاضر مهم‌ترین مسأله دولت پاکستان است.

این شیوه رفتار طالبان پاکستان، بسیار شبیه به طالبان افغانستان است. طالبان افغانستان نیز مسوولیت حملات مرگبار را برعهده نمی‌گرفتند.

لابی‌گری برای طالبان؛ بانک جهانی:

اقتصاد افغانستان گل و گلزار است

۴،۳ ش

اخیراً بانک جهانی گزارشی اغراض‌آلود و کاملاً سیاسی را از وضعیت اقتصادی افغانستان به نشر رسانیده که در آن عمل‌کرد اقتصاد افغانستان زیر سایه رژیم جنایت‌کار طالبان مثبت جلوه داده شده و به‌نحوی در آن از طالبان و مدیریت اقتصادی این گروه ستایش شده است. این در حالی است که ده‌ها گزارش مستند از وضعیت اسفبار و دردناک زندگی اقتصادی مردم افغانستان به نشر رسیده است که نه تنها صحت و سقم تحلیل بانک جهانی را کاملاً نادرست ثابت می‌کند، بلکه پرده از تلاش‌های این بانک برای جلب حمایت جامعه جهانی برای تعامل با طالبان نیز برمی‌دارد. این در حالی است که بر بنیاد اطلاعات دقیق، بخش افغانستان بانک جهانی تعدادی زیادی از شهروندان پاکستان را استخدام کرده و در برابر، تعداد کارمندان افغان این بانک را کاهش داده است. به این ترتیب، حتی کسانی که در تهیه گزارش‌های اقتصادی افغانستان در دفتر بانک جهانی کار می‌کنند، شهروندان کشوری‌اند که در ایجاد و حمایت گروه طالبان نقش برجسته داشته و حتی نخست‌وزیر و وزیران خارجه آن به‌عنوان سخنگویان طالبان عمل کرده و برای رسیدن این گروه به قدرت شب و روز لابی کرده‌اند.

در این مقاله کوتاه، گزارش تحلیلی بانک جهانی از وضعیت اقتصادی افغانستان زیر حاکمیت طالبان به صورت کلی تحلیل و نقد شده تا باشد که حقایق در زیر غبار اغراض معاملات کثیف سیاسی پنهان نماند؛ زیرا بعضی از کشورها و نهادهای بین‌المللی به‌شمول بانک جهانی، یک‌سره برای کار و تعامل با گروه تروریستی طالبان بی‌شرمانه آستین برزده و همه ارزش‌هایی که تا دیروز از آن به مردم افغانستان قفله می‌کردند را امروز خود به معامله گرفته‌اند.

ثبات در نرخ مبادله: بانک جهانی در حالی از حفظ ثبات در نرخ مبادله پول افغانی در برابر دالر امریکایی گزارش می‌دهد که این ثبات کاذب در نرخ مبادله نه براساس میکانیسم عرضه و تقاضا در بازار، بلکه براساس میل تفنگ در سرای شهزاده شهر کابل تأمین شده است. در غیر آن، هیچ آگاه امور اقتصادی نمی‌تواند بپذیرد که در وضعیتی که رکود بزرگ اقتصادی در افغانستان حاکم است و در حالی که بانک مرکزی به ذخایر ارزی خود دسترسی نداشته و توانایی مانند گذشته برای مداخله در بازار ارز ندارد و سرمایه‌گذاران هم در صدد بیرون کردن سرمایه‌های‌شان از افغانستان‌اند، نرخ مبادله با ثبات باقی بماند. طالبان پس از نوسانات شدید در نرخ مبادله در نخستین ماه‌های پس از سقوط کابل، با توسل به تفنگ و تهدید صرافان به شکنجه و مرگ، نرخ مبادله را در بازار تعیین و ثبات در آن را با میل تفنگ حفظ کردند.

جمع‌آوری نیرومند عواید: بانک جهانی در این گزارش جمع‌آوری عواید توسط طالبان را نیرومند توصیف می‌کند. این در حالی است که طالبان با توسل به تفنگ، بدون در نظر داشت وضعیت حقیقی اقتصادی و میزان مشکلات اقتصادی مردم، از کسبه‌کاران، دست‌فروشان و همه فعالان اقتصادی، مالیات هنگفت جمع‌آوری می‌کنند. علاوه بر آن، در حالی که خشک‌سالی‌های شدید و آفات طبیعی مانند سیلاب‌ها، دهقان‌های کشور را به شدت متضرر ساخته، طالبان از آن‌ها عشر و زکات جمع‌آوری می‌کنند. ستایشی خجالت‌آور بانک جهانی از موفقیت طالبان در جمع‌آوری عواید نشان می‌دهد که برای این بانک مهم نیست که این عواید چگونه، در چه وضعیت اقتصادی و از کی‌ها توسط طالبان جمع‌آوری می‌شود، بلکه هدف بانک جهانی از ارایه این گزارش، ترسیم تصویر مثبت از طالبان و موفق نشان دادن این گروه در جمع‌آوری عواید است تا از این طریق برای تعامل بیشتر جامعه جهانی با این گروه زمینه‌سازی کند. به همین گونه، آن‌چه را که بانک جهانی از آن به نام عواید یاد می‌کند، در حقیقت زورستانی‌ها و اضافه‌ستانی‌هایی است که طالبان از مردم نهایت فقیری که نان شب و روزشان را ندارند، زیر نام مالیه جمع‌آوری می‌کنند.



بانک جهانی تأکید می‌ورزد که معاشات کارکنان ملکی در رژیم طالبان به موقع و به طور کامل پرداخت شده و زنان نسبت به مردان معاشات‌شان را به مراتب منظم‌تر دریافت می‌کنند. با این تحلیل، بانک جهانی می‌خواهد به جامعه جهانی این پیام را برساند که طالبان نسبت به دولت قبلی افغانستان در پرداخت معاشات بهتر عمل کرده و با پرداخت منظم معاشات کارکنان زن در حالی که از چکر کار توسط طالبان محروم شده‌اند این گروه نسبت به حقوق زنان تعهد ویژه‌ای دارند. این در حالی است که بر بنیاد گزارش‌های مستند، طالبان حقوق تقاعد هزاران کارمند متقاعد را پرداخت نکرده و کسی در زیر چتر حکمرانی این گروه خون‌خوار حق شکایت را ندارد. همچنان شکایات متعددی توسط منابع خبری مبنی بر پرداخت نشدن حقوق کارکنان ادارات به نشر رسیده که نادرست بودن گزارش بانک جهانی را به وضاحت نشان می‌دهد.

از جانب دیگر، بانک جهانی هیچ‌گاهی به جنبه مصرف یا هزینه کردن این عواید توسط طالبان در این گزارش نمی‌پردازد و در این مورد ساکت است که این پول‌ها توسط طالبان در کجا، در کدام موارد، برای عرضه چه خدماتی، چگونه و با کدام شفافیت هزینه می‌شود. در حالی که مهم‌تر از جمع‌آوری عواید بلند توسط طالبان، مسأله هزینه کردن این پول‌ها است؛ اما بانک جهانی با وصف این که این اطلاعات را دارد که این پول‌ها در عرضه خدمات عامه و توسعه زیربناها توسط طالبان استفاده نشده، بلکه یا در سطح بلند این پول‌ها میان رهبران این گروه تقسیم شده یا هم صرف معاش و امتیازات پرسنل کندک‌های انتحاری این گروه و تقویت تروریسم شده است. این بانک نمی‌خواهد به همچو مسایلی در تحلیل‌هایش بپردازد تا به ضرر گروه طالبان تمام شود.

دو برابر شدن صادرات: در این گزارش تحلیلی، بانک جهانی به افزایش قابل ملاحظه صادرات در ۱۰ ماه نخست سال ۲۰۲۲ میلادی اشاره کرده و آن را ۱،۷ میلیارد دالر گزارش داده است و به‌طور واضح خاطر نشان ساخته است که این میزان صادرات در این دوره دو برابر ارزش تمام صادرات در سال ۲۰۲۰ میلادی (دوره جمهوری) بوده است. پرسش اصلی این‌جا است که در حالی که سطح تولید داخلی افغانستان ۳۵ درصد کاهش یافته، نرخ بیکاری و فقر به شدت افزایش یافته و فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری نیز از دست رفته‌اند، صادرات افغانستان چگونه دو برابر شده است و تأثیر این افزایش صادرات روی کاهش نرخ بیکاری و فقر در افغانستان چه بوده است و یا با افزایش تولید و صادرات، میزان بیکاری و فقر در یک اقتصاد کاهش می‌یابد یا افزایش؟

نرخ تورم: بانک جهانی از کاهش میزان تورم پولی از ۱۸،۳ درصد در ماه جولای سال ۲۰۲۲ به ۹،۱ درصد در ماه نوامبر سال ۲۰۲۲ به شکلی تحلیل ارایه می‌کند که گویا سطح واقعی قیمت‌ها در بازارها نسبت به گذشته کاهش یافته است. در حالی که این به معنای کاهش سطح قیمت‌ها نبوده، بلکه قیمت‌ها هنوز هم سیر صعودی داشته و رو به افزایش است،

اما نسبت به ماه جولای در ماه نوامبر درصدی افزایش قیمت‌ها کاهش یافته است. به عبارت دیگر، قیمت‌ها به یک درصدی کمتر نسبت به گذشته رو به افزایش بوده است. در حالی که صحت و سقم این آمار خود زیر پرسش است، پرسش اساسی‌ای که مطرح می‌شود این است که در نبود هیچ نوع وسیله سیاست پولی در اختیار بانک مرکزی زیر اداره طالبان، این نرخ تورم پولی چگونه کاهش یافته است؟ زیرا کاهش نرخ تورم در بازارها نیاز به سیاست‌های نیرومند پولی و مالی دارد. سیاست‌هایی که در بانک مرکزی و وزارت مالیه زیر اداره طالبان دیگر برای آن ابزاری وجود ندارد.

میزان فقر و بیکاری: بانک جهانی که محو فقر مطلق یکی از مأموریت‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد در این تحلیل و گزارش‌اش هیچ تماسی روی بحث فقر نداشته است. شاید این بانک برای تأمین و تقویت تعاملش با طالبان آن‌قدر هیجان زده شده که پرداختن به مأموریت اصلی خویش را نیز فراموش کرده است. این بانک باید پاسخ دهد، با وصفی که اقتصاد افغانستان را بر بنیاد تحلیل این بانک، طالبان گل و گلزار کرده‌اند، این همه تحولات مثبت و نیرومند اقتصادی در افغانستان زیر اداره طالبان چه تأثیری بالای فقر داشته است؟ و آیا دو برابر شدن صادرات، ثبات در نرخ مبادله، کاهش نرخ تورم پولی و جمع‌آوری نیرومند عواید، روی فقر تأثیر مثبتی داشته یا خیر؟ از همین جا است که بانک جهانی از پرداختن به مسایل خیلی مهمی که تعاملش را با طالبان به چالش بکشاند ای می‌ورزد و حقیقت را فدای تأمین روابطش با یک گروه جنایتکار و تروریستی می‌کند.

بیکاری به همین گونه، بیکاری به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی اقتصادی از موارد دیگری است که بانک جهانی از پرداختن به آن ظفره رفته و با طراحی فنی واژه‌ها تذکر داده است که تقاضا به نیروی کار به دلیل آغاز زمستان و کاهش فعالیت‌های کشاورزی کاهش یافته است. این گونه، این بانک از پرداختن به معضل بیکاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی افغانستان ماهرانه چشم‌پوشی کرده است. در حالی که حقیقت حاکی از آن است که نرخ بیکاری پس از روی کار آمدن دوباره طالبان به قدرت، به شدت افزایش یافته و گزارش‌های مستند فراوان از وضعیت آشفته در بازار کار کشور به نشر می‌رسد که نشان می‌دهد، کارگران نمی‌توانند در چندین هفته حتی یک روز کار پیدا کنند و این مسأله باعث افزایش خودکشی‌ها در میان جوانان شده است.

محیط کار و فعالیت اقتصادی: بانک جهانی در گزارش‌اش از وضعیت نابه‌سامان سکتور خصوصی افغانستان و ضرر هنگفتی که این سکتور در ۱۸ ماه گذشته متقبل شده است، هیچ یادآوری نمی‌کند. شاید این برای بانک جهانی به دلیل آن‌چه که سیاست و منافع کنونی این بانک ایجاب می‌کند، مهم نباشد. منابع موقد از سکتور خصوصی تأیید می‌کنند که در کنفرانسی که بانک جهانی با بازرگانان افغانستان در تابستان سال ۲۰۲۲ میلادی در شهر استانبول داشت، به آن‌ها پیام صوتی وزیر تجارت رژیم طالبان شنوانده شد تا به آنان اطمینان دهند که طالبان از سرمایه‌گذاری آن‌ها در افغانستان حمایت کرده و زمینه فعالیت‌شان را مساعد می‌سازند. این نشان می‌دهد که بانک جهانی نه تنها علاقه‌مند کار با رژیم طالبان است، بلکه از قبل با آن‌ها در سطوح عالی در تماس بوده و زمینه انتقال پیام وزیر تجارت طالبان به بازرگان افغان مقیم در خارج را نیز فراهم کرده و به این ترتیب، به تحکیم اقتصاد رژیم طالبان تلاش ورزیده است.

سکتور بانکی: بانک جهانی در گزارش‌اش به بحران حاکم در بانک مرکزی و سکتور بانکی افغانستان نمی‌پیچد و فقط به این اکتفا می‌کند که مردم سپرده‌های‌شان را مطابق حد تعیین‌شده برداشت می‌کنند. این بانک به مواردی مانند کاهش ۴۰ درصدی سپرده‌های بانکی، کاهش سرمایه بانک‌ها، ضرر هنگفت بانک‌ها، تعطیل قوانین حساس مانند قانون ضد پول‌شویی و مبارزه علیه تمویل تروریسم توسط بانک مرکزی طالبان، قطع روابط بانک‌های افغانستان با بانک‌های بین‌المللی، مسدود شدن تقریباً

نیمی از نماینده‌گی‌های بانک‌ها و امثال آن هیچ اشاره‌ای نکرده و گویا که هیچ مشکلی در سکتور بانکی افغانستان وجود ندارد و طالبان سکتور بانکی را به خوبی مدیریت می‌کنند. شاید برای این که بانک جهانی نخواهد ناتوانی طالبان را در مهار وضعیت در سکتور بانکی و بحرانی بودن این سکتور را به فکر مردم راه دهد، ادعا کند که به آمار سکتور بانکی دسترسی ندارد. در حالی که این بانک منحیت لابی‌گر اقتصادی

طالبان، بدون تردید که به این آمار دسترسی دارد. تناقضات: با این همه لازم به تذکر است که گزارش بانک جهانی به شدت در تناقض با آماری قرار دارد که آمارگیری‌های Reach Resource Center و آمار و گزارش‌هایی که از وضعیت اقتصادی افغانستان از جانب بعضی نهادهای مهم دیگر بین‌المللی ارایه شده است، نشان می‌دهد. به‌گونه مثال، نتایج سروی ریچ که با نمونه‌گیری از ۱۷ هزار و ۲۱۹ خانواده در سراسر افغانستان انجام شده است، نشان می‌دهد که در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲ میلادی ۷۱ درصد خانواده‌ها دلیل ترک ناخواسته مناطق‌شان را بیکاری عنوان کرده و ۳۹ درصد خانواده‌ها دلیل ترک مناطق‌شان را کمبود غذا بیان کرده‌اند. این مسأله نشان‌دهنده عمق وخامت وضعیت اقتصادی در کشور را زیر اداره طالبان نشان می‌دهد. به همین گونه، این سروی نشان می‌دهد که ۵۴ درصد خانواده‌های سروی‌شده در شش ماه گذشته تکان اقتصادی را تجربه نموده و ۸۸ درصد این خانواده‌ها که تکان اقتصادی را تجربه کرده‌اند، از دست دادن عایدشان باعث شده است تا دسترسی محدود به غذا داشته باشند. به همین گونه، این سروی نشان می‌دهد که خانواده‌های سروی‌شده در یک ماه گذشته صرف شش‌هزار و ۴۹۵ افغانی که حدود ۷۰ دالر امریکایی می‌شود، عاید داشته‌اند؛ در حالی که این رقم در ماه اکتبر سال قبل آن به هفت‌هزار و ۷۹۵،۹ افغانی می‌رسید. مزید بر آن، نتایج این سروی حاکی از آن است که ۷۲ درصد خانواده‌های سروی‌شده در یک ماه گذشته در پیدا کردن غذا با چالش مواجه بوده و یا پول کافی برای خرید غذا نداشته‌اند؛ در حالی که این رقم در ماه اکتبر سال قبل آن به ۵۸ درصد می‌رسید. آمار به دست‌آمده از این سروی همچنان نشان می‌دهد که ۳۵ درصد افراد سروی‌شده در یک ماه گذشته گرسنه خوابیده‌اند؛ در حالی که این رقم در ماه اکتبر سال قبل آن به ۱۴ درصد می‌رسید. به همین ترتیب ۴۶ درصد خانواده‌های سروی‌شده بیان داشته‌اند که در یک ماه گذشته یا غذایی برای خوردن نداشته و یا هم امکاناتی برای خرید غذا نداشته‌اند. در پهلوئی این، گزارش اوچا نشان می‌دهد که چهار میلیون تن در افغانستان دچار سوء‌تغذیه هستند که شامل ۸۷۵ هزار کودک مبتلا به سوء‌تغذیه شدید، ۲،۳ میلیون کودک مبتلا به سوء‌تغذیه نسبتاً حاد و ۸۴۰ هزار خانم باردار و شیرده می‌باشند. به همین گونه، اوچا در گزارش دیگری بیان کرده است که ۱۷ میلیون تن در افغانستان با گرسنه‌گی حاد روبه‌رو هستند.

اکنون پرسش اساسی‌ای که مطرح می‌شود این است که با این همه دستاوردهای اقتصادی رژیم مورد پسند و دلخواه بانک جهانی، چرا فقر و گرسنه‌گی بسیار گسترده در افغانستان حاکم شده و ده‌ها انسان در زمستان به‌دلیل نداشتن مواد غذایی و امکانات تسخین، جان‌های‌شان را از دست داده و ده‌ها تن دیگر به زنده‌گی‌شان به‌خاطر فقر مطلق پایان داده‌اند و صدها خانواده فرزندان‌شان را از دست فقر و تنگ‌دستی به لیلام گذاشته‌اند و اعضای بدن عزیزان‌شان را فروخته‌اند؟ مگر این همه برای بانک جهانی دیگر معنایی دارد؟ پاسخ این پرسش اکنون برای مردم افغانستان مانند آفتاب روشن است و آن این‌که: نخیر. از همین رو است که بانک جهانی در تحلیل خویش از واقعیت‌های اقتصادی افغانستان چشم‌پوشی کرده تا بتواند با نشر تحلیلی طراحی‌شده، زمینه تعامل بیشتر و نیرومندتر را با یک گروه جنایت‌کار، سمتگر، بدوی و ناقص جدی حقوق بشر و حقوق زن مساعد سازد. علاوه‌تا با نشر این گزارش، بانک جهانی به خرد جمعی مردم افغانستان توهین کرده است و این پیام را به‌طور واضح به مردم افغانستان فرستاده است که آن‌چه برای این بانک مهم است، تأمین منافعش است نه چیز دیگری و حاضر است برای تأمین منافعش در پی ستایش از عملکرد اقتصادی یک گروه تروریستی، گزارش تحلیلی طراحی کند و بر زخم‌های یک ملتی که سال‌ها روی سرنوشت‌شان استخبارات کثیف منطقه و جهان تجارت کرده است، در یک زمستان سرد و تاریک نمک بپاشد.

عربستان سعودی طرف دار سقوط رژیم ایران نیست؟

ریاض می‌خواهد از تظاهرات ضد حکومتی علیه رژیم ایران، منافع ژئوپولیتیک خود را تامین کند، اما نمی‌خواهد این تظاهرات باعث تغییر رژیم شود.

نویسنده:

طلال محمود، کارشناس امور خاورمیانه و مشاور مستقل در امور حکومت، ژئوپولیتیک و استخبارات استراتژیک

منبع:

فارن پالیسی <https://foreignpolicy.com/2023/01/27/iran-saudi-arabia-rivalry-mahsa-amini-protests-irgc/>



مساله، ریشه بر ستون فقرات خاندان سلطنتی سعودی انداخت. بعد از آن، مجموعه‌ای از تقابل‌های مستقیم و غیرمستقیم بین تهران و ریاض، چشم‌انداز ژئوپولیتیک خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس را شکل داده است. امروزه هر دو کشور، دارای گروه‌های نیابتی‌های متعدد هستند. این گروه‌ها همین اکنون دارای حوزه نفوذ سیاسی در منطقه‌اند. اکثر (و نه همه) گروه‌های وابسته به ایران، شیعه‌اند، در حالی که گروه‌های وابسته به عربستان، سنی‌اند.

رقابت ایران و عربستان بخش زیادی از تاریخ معاصر خاورمیانه را شکل داده است. ریاض از صدام حسین، رهبر سابق عراق، در جنگ هشت‌ساله‌اش با ایران در دهه ۱۹۸۰ حمایت کرد. در سال ۱۹۸۲، تهران به تأسیس، تأمین مالی و آموزش شبه‌نظامیان تازه‌تأسیس حزب‌الله کمک کرد که از آن زمان تاکنون کنترل فزاینده‌ای بر سیاست لبنان اعمال می‌کند. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام حسین باعث شد که ایران به دنبال اعمال نفوذ شیعیان بر آن کشور در نبردی باشد که از بسیاری جهات تا امروز ادامه داشته است. رقابت میان عربستان و ایران پس از بهار عربی، وضعیت در سوریه و یمن را نیز شکل داده است. حمایت ایران از بشار اسد، دیکتاتور سوریه و حوثی‌های یمن، سنگ‌بنای رقابت امروز میان تهران - ریاض است.

اگرچه دو کشور در دهه ۱۹۹۰ دوره‌هایی از تنش‌زدایی و نزدیکی را تجربه کردند، اما دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در میان سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ و رشد مداوم محمد بن سلمان، ولی‌عهد سعودی و نیز قدرت‌گیری ابراهیم ریسی، رییس جمهور فوق‌محافظه‌کار ایران در سال ۲۰۲۱، هر گونه پیش‌رفت در این مسیر را از میان برداشته است. در عوض هر دو کشور را به تشدید لفاظی نسبت به هم‌دیگر سوق داده است. اعدام روحانی شیعه، نمر النمر، در سال ۲۰۱۶ توسط عربستان سعودی، معترضان ایرانی را به هجوم بر سفارت عربستان در تهران سوق داد که یک اتفاق نادر در تاریخ دیپلماتیک دو کشور بود.

اگرچه ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۲۱ به بعد در عراق مذاکراتی را انجام داده‌اند، اما بخش عمده‌ای از روابط آن‌ها خصمانه است. در سال ۲۰۱۷، محمد بن سلمان به‌صراحت تهدید کرد که با بردن جنگ به تهران، با ایران مقابله خواهد کرد: «ما منتظر نبرد در عربستان سعودی نخواهیم بود. در عوض، ما کاری می‌کنیم تا نبرد با آن‌ها در داخل ایران انجام شود.» دو سال بعد، در سال ۲۰۱۹، حوثی‌های وابسته به ایران در یمن مسوولیت حمله بر تاسیسات نفتی آرامکوی سعودی در خاک عربستان را برعهده گرفتند. اکنون، تهران عربستان سعودی را به جنگ آشکار تهدید می‌کند و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار می‌دهد که ریاض به خاطر حمایت از فعالیت‌های جدایی‌طلبانه‌اش «بهبایی آن را خواهد پرداخت».

ریاض تاکنون به اتهامات ایران مبنی بر دخالت در اعتراضات، با سکوت محتاطانه پاسخ داده است. در همین حال، بازوی رسانه‌ای دولت شاهی عربستان، به

ارزش این را دارد تا بدانیم که در نتیجه آن آینده حکومت در این کشور چگونه خواهد بود. اگر ملاحظاتی ایرانی برکنار شوند، کشور به احتمال زیاد یا توسط رهبری نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره خواهد شد و یا مانند سوریه یا لیبیا، تکه‌تکه می‌شود. این تقسیم‌بندی می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد و دولت‌های رقیب را ایجاد کند (مانند طرابلس و بنغازی در لیبیا). یا تقسیم اراضی براساس خطوط قومی. در وضعیت اولی ممکن است شاهد برخورد مشروعیت بین گروه‌هایی باشیم که خواستار یک ایران جمهوری‌اند و نیز گروه‌هایی که خواستار بازگشت سلطنت سرنگون‌شده در سال ۱۹۷۹ هستند. دومی می‌تواند شامل ایجاد دولت‌های قومی باشد که توسط کردها، عرب‌ها، آذری‌ها و بلوچ‌ها اداره می‌شوند.

هر یک از این موارد پیامدهای امنیتی جدی برای ریاض و کل منطقه خلیج فارس خواهد داشت. یک ایران تحت رهبری نظامی، می‌تواند به‌شدت در برابر ریاض متخاصم باشد. چند روز پس از این که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اکتوبر سال گذشته عربستان سعودی را تهدید کرد، ریاض به واشنگتن خبر داد که اطلاعاتی در مورد آماده شدن ایران برای حمله به عربستان به دست آورده است. هرچند چنین اتفاقی رخ نداد، اما حمله ایران به عربستان، یادآور حملات مصیبت‌بار بر شرکت نفتی آرامکوی سعودی در سال ۲۰۱۹ بود.

بهار عربی کشورهای عمده خاورمیانه مانند سوریه و لیبیا را تکه‌تکه کرد و به گروه‌های تروریستی مانند دولت اسلامی که منطقه را بی‌ثبات کرده‌اند، کمک فراوان کرد. اگر تهران تضعیف شود، ممکن است اتفاق مشابهی میان جناح‌های تجزیه‌طلب ایران رخ بدهد. این می‌تواند خطر و آشفتگی را در زمانی ایجاد کند که کشورهای خلیج فارس در حال توسعه پروژه‌های بزرگ برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خودند و تلاش می‌کنند تا از اقتصاد متکی بر نفت اندک‌اندک فاصله بگیرند. تنوع بخشیدن به اقتصاد کشورهای عربی، مستلزم سرمایه‌گذاری خارجی است و به طبع آن، سرمایه‌گذاری خارجی مستلزم انسجام و ثبات دولت‌ها می‌باشد.

رژیم تهران با وجود پیوندهای نزدیکی با گروه‌های مسلح منطقه‌ای مانند حزب‌الله و حوثی‌ها، به دنبال متعادل کردن نفوذ منطقه‌ای خود در مقابل کشورهای عربی خلیج فارس و نیز ایالات متحده آمریکا است. این به ایران فرصت می‌دهد تا وجهه خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای حفظ کند، منافعهش را محافظت کند و در عین حال امتیازاتی را از همسایه‌گانش بگیرد. فروپاشی کامل جمهوری اسلامی ممکن است این گروه‌های مسلح وابسته را تضعیف کند، اما همچنین می‌تواند باعث تقویت و گسترش آن‌ها شود و خطر بیشتری را برای ریاض و همسایه‌گانش به همراه داشته باشد. در فقدان فرماندهی مرکزی، اعضای این گروه‌ها می‌توانند به جنگ‌جویان مزدور تبدیل شوند که این می‌تواند منطقه را بیشتر بی‌ثبات کند. این وضعیت حتماً می‌تواند جنبش‌های تحت رهبری شیعیان در سراسر منطقه، مانند جنوب عراق - در مرز با عربستان سعودی - و در میان حوثی‌ها در یمن را از نو احیا کند.

بنابراین، عربستان سعودی به جای حمایت از فروپاشی جمهوری اسلامی ایران، ترجیح می‌دهد به آرامی ایران را بدون درگیر شدن در یک رویارویی مستقیم نظامی، تضعیف کند. از آنجایی که تهران با فشارهای گسترده جهانی در رابطه به جنبش اعتراضی جاری، اتهامات همکاری با روسیه در اوکراین و توافق هسته‌ای حل‌نشده مواجه است، به نظر می‌رسد که رویکرد ریاض کارساز است. محمد بن سلمان می‌خواهد ایران به اندازه‌ای ضعیف باشد که مجبور شود در مورد برنامه هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای خودش امتیاز بدهد، اما در عین حال، جمهوری اسلامی بی‌ثبات، بیش از این که سودی برای عربستان داشته باشد، آسیب می‌رساند.

تظاهرات داخل ایران فرصت پخش سخاوتمندانه‌ای داده است. شبکه «ایران اینترنشنال» مستقر در لندن که تحت حمایت عربستان سعودی است، ویدیوها و تصاویری را از جریان تظاهرات در داخل ایران نشر می‌کند و همچنین میزبان چهره‌های مخالف، اعضای شبه‌نظامیان مخالف دولت و جدایی‌طلبان آذری و کرد است.

با توجه به این پس‌منظر، ممکن است تصور شود که عربستان سعودی در نهایت به دنبال سقوط رژیم آخوندی ایران است. این در حالی است که ملک عبدالله، پادشاه آپیشین [عربستان سعودی، پیش از مرگش در سال ۲۰۱۵، با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران از ایالات متحده خواسته بود که «سر مار را قطع کند». اما همه این‌ها ممکن است ظاهر قشیه باشد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت کنونی عربستان به لحاظ منطقی، نمی‌خواهد جمهوری اسلامی سقوط کند. در عوض، ریاض به دنبال تضعیف تهران به اندازه کافی برای دستیابی به امتیازات ژئوپولیتیک کلیدی است. این‌ها ممکن است شامل سازش ایران در مورد برنامه اتمی‌اش، عدم مداخله در امور کشورهای عربی و قطع حمایت از متحدان منطقه‌ای‌اش مانند حزب‌الله، حوثی‌ها و حماس باشد.

دو دلیل عمده وجود دارد که بر مبنای آن، فروپاشی تمام‌عیار رژیم ایران به نفع ریاض نیست. دلیل نخست مربوط به هویت سعودی است. در واقع، قدرت عربستان سعودی تنها به دلیل حضور یک رژیم آخوندی، قابل تعریف است. همان‌طور که تهران برای بسیاری از شیعه‌ها، رهبری شیعیان جهان را به دست دارد، ریاض نیز خود را نماد رهبری سنی‌ها می‌داند. بدون یک رژیم شیعه در ایران، هویت مفروض عربستان سعودی به‌عنوان محافظ سنی‌های جهان، ممکن است از میان برود.

یک خطر دیگر تأثیرات متقابل و پیچیدگی وضعیتی است. اگر اعتراضات ایران موفقیت‌آمیز باشد و منجر به سقوط جمهوری اسلامی شود، می‌تواند پیامدهای منطقه‌ای مشابه به بهار عربی را در برخی از کشورهای عربی، به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس در پی داشته باشد. به‌عنوان نمونه، اعتراضات جنبش سبز ایران در سال ۲۰۰۹ را می‌توان به‌عنوان مقدمه‌ای برای بهار عربی دو سال بعد در نظر گرفت. در آن زمان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، برای سرکوب اعتراضات در کشورهایشان مبارزه سختی کردند. ریاض با ترکیبی از تدابیر اقتصادی، سیاسی و امنیتی به تظاهرات در ولایت شرقی شیعه‌نشین این کشور پاسخ داد. در بحرین، تهدید بزرگ‌تر بود، به همین دلیل گروهی از کشورهای خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی نیروهای نظامی خود را برای سرکوب اعتراضات تحت رهبری شیعیان، به آن کشور اعزام کردند. اعتراضات جاری ایران می‌تواند زنان در سراسر عربستان سعودی و نیز اقلیت‌های شیعه‌نشین شرق آن کشور را به اعتراض برانگیزد.

هرچند بعید است، اما سقوط حکومت دینی در ایران

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq, Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

۸ صبح، فراه: منابع محلی در ولایت فراه می‌گویند که طالبان باشگاه آموزش کاراته زنان را در این ولایت بسته‌اند. منابع روز سه‌شنبه، ۱۱ دلو، به روزنامه ۸ صبح تایید می‌کنند که طالبان دستور مسدودیت تنها باشگاه آموزش کاراته زنان را در این ولایت صادر کرده‌اند. گفته می‌شود آمريت ورزش تحت اداره طالبان در اوایل هفته جاری به مسوول این باشگاه دستور بستن باشگاه را داده بود که سرانجام امروز این باشگاه دروازه‌اش را بست. منابع مردمی می‌افزایند که پس از محدودیت‌های طالبان، این باشگاه هنوز فعالیت داشته و تعداد اندکی از زنان در آن آموزش کاراته می‌دیدند. گفتنی است که پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را بر دختران و زنان کشور وضع کرده است.

پتان پردرآمدترین فیلم تاریخ سینمای هند در جهان شد



فیلم پتان با نقش‌آفرینی ستاره‌های مشهور بالیوود چون شاهرخ خان، رکورد تازه‌ای در میان فیلم‌های هندی در جهان بسته و عنوان پردرآمدترین فیلم تاریخ سینمای هند در جهان را به خود اختصاص داده است. اندیا اکسپرس، از رسانه‌های هندی، روز دوشنبه، ۳۰ جنوری، گزارش داده که این فیلم در پنج روز نخست پس از اکران ۵۵۰ میلیارد روپیه هندی درآمد داشته است. فیلم پتان با نقش‌آفرینی شاهرخ خان، دیپیکا پادوکن و جان ابراهام و کارگردانی سیدارت آناند، یک روز پیش از روز جمهوری در هند اکران شد. هرچند نقش دیپیکا با پیراهنی به رنگ زرد در یکی از آهنگ‌های فیلم پتان موجی از واکنش‌ها را در پی

بیش از یک میلیون تن در فرانسه در اعتراض به طرح جدید بازنشسته‌گی به جاده‌ها ریختند



نزدیک به ۱.۲۷ میلیون تن در اعتراض به طرح دو سال افزایش سن بازنشسته‌گی در فرانسه به جاده‌ها برآمدند. به نقل از آسوشیتدپرس، وزارت داخله فرانسه روز سه‌شنبه، ۳۱ جنوری، گفته است که مردم زیادی در اعتراضات گسترده علیه برنامه‌های جدید امانویل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، برای افزایش دو سال سن بازنشسته‌گی به خیابان‌ها برآمده‌اند. وزارت داخله فرانسه میزان مشارکت در اعتراضات را بی‌پیشینه خوانده است. در همین حال، الیزابت بورن، نخست‌وزیر فرانسه، گفته است که دولت او «سوالات و تردیدها» در مورد دو سال افزایش سن بازنشسته‌گی را می‌شنود. هشت اتحادیه کارگری اعلام کرده‌اند که در روزهای ۷ و ۱۱ فبروری اعتراضات سراسری را در پیوند به این

طرح به راه خواهند انداخت. پاتریشیا دروون از اتحادیه نیروی کارگری که در یک نمایش عمومی و نادر، برای همبسته‌گی در کنار همکاران دیگر اتحادیه‌ها ایستاده بود، گفت: «در مواجهه با رد گسترده، دولت باید اصلاحات خود را پس بگیرد». در همین حال، استانیسلاس گورینی، وزیر خدمات عمومی فرانسه، در واکنش به تهدید اتحادیه‌های کارگری در یک برنامه تلویزیونی شبکه سی‌نوز گفت که اعتصاب‌های سراسری در کشور روند معمول دولت را مختل نخواهد کرد. گفتنی است که اعتراضات به قوانین بازنشسته‌گان یا این پیمان‌ها در فرانسه بی‌پیشینه است و دولت ظاهراً باید به اعتراضات صنف‌های کارگری پاسخ مناسب ارایه کند.

ناتو به کوریای جنوبی:

در سیاست‌های منع صدور تسلیحات خود تجدید نظر کنید

کوریای جنوبی از کشورهای صادرکننده تسلیحات در جهان است. این کشور اخیراً قراردادهایی را برای فروش صدها تانک به کشورهای اروپایی عضو ناتو از جمله لهستان امضا کرده است.

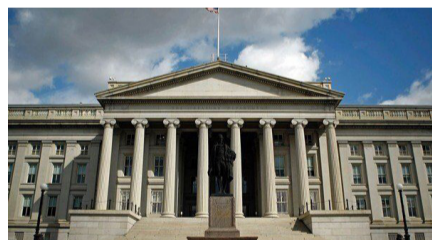


ینس استولتنبرگ، دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو، از مقام‌های کوریای جنوبی خواسته است که در سیاست‌های منع صدور تسلیحات به کشورهای درگیر جنگ، تجدید نظر کنند. الجزیره روز یکشنبه، ۳۰ جنوری، گزارش داده که دبیر کل ناتو این مطلب را در سفرش به کوریای جنوبی حین سخنرانی در یک موسسه مطالعاتی بیان کرده است. استولتنبرگ به آلمان و ناروی اشاره کرده و گفته است که این کشورها پس از حمله روسیه بر اوکراین، سیاست‌های‌شان را بازنگری کرده‌اند. دبیر کل ناتو از کمک‌های غیرکشنده کوریای جنوبی به اوکراین تشکر کرده و از سیول خواسته که اقدامات بیشتری در این خصوص انجام دهد. او تأکید کرده است که اوکراین به مهمات نیاز فوری دارد. استولتنبرگ گفته است: «اگر ما به آزادی و دموکراسی اعتقاد داریم، اگر نمی‌خواهیم خودکامه‌گی و تمامیت‌خواهی پیروز شود، آن‌ها به سلاح نیاز دارند.»

امریکا هفت نهاد ایرانی مرتبط به ساخت پهپاد را تحریم کرد

نیروی هوافضای سپاه پاسداران، سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی سپاه پاسداران، شرکت «اوج پرواز ما دو نفر»، شرکت پرآر پارس، صنایع هوایی قدس و مرکز تحقیقات صنایع هوایی شاهد در فهرست تحریم‌های جدید این وزارتخانه قرار گرفته‌اند. در ادامه گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده است که نهادهای یادشده در ساخت پهپاد فعال‌اند و ایران در اقدامی علیه امنیت ملی و منافع سیاست خارجی آمریکا، پهپادهای تولیدی خود را به روسیه تحویل می‌دهد تا از آن‌ها در جنگ اوکراین استفاده کند. گفتنی است که پیش از این نیز برخی از نهادهای ایرانی به دلیل مشارکت در برنامه‌های هسته‌ای و موشکی تحریم شده بودند، اما اکنون نهادهای جدید به دلیل کمک نظامی به روسیه تحریم شده‌اند. ایران همواره ارسال پهپاد به روسیه را رد کرده است.

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا هفت نهاد دیگر ایران را نیز در فهرست تحریم‌های خود اضافه کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا روز سه‌شنبه، ۳۱ جنوری، اعلام کرده است که هفت نهاد ایرانی را به دلیل کمک نظامی و ارسال پهپاد به روسیه تحریم کرده است. شرکت طراحی و ساخت موتورهای هوایی (داما)،



کرانه باختری و تهدید ایران محور بحث وزیر خارجه آمریکا و وزیر دفاع اسرائیل

وزیر دفاع اسرائیل تأکید کرده است که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. گفتنی است که وزیر امور خارجه آمریکا از روز گذشته به این سو در پی بروز ناآرامی‌ها در کرانه باختری و افزایش نگرانی‌های اسرائیل در پیوند به برنامه هسته‌ای ایران، در تل‌آویو به‌سر می‌برد.



رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که یوواگالات، وزیر دفاع این کشور، با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در مورد ناآرامی‌های کرانه باختری و تهدیدهای ایران دیدار و گفت‌وگو کرده است. اورشلیم‌پست گزارش داده که این دیدار صبح روز سه‌شنبه، ۳۱ جنوری، صورت گرفته است. برنیاد اطلاعات نشر شده، همکاری‌های امنیتی میان آمریکا و اسرائیل، چالش‌های نظامی دولت اسرائیل با تمرکز بر ایران و گروه‌های وابسته به آن و تعمیق روابط منطقه‌ای از موضوعات مورد بحث وزیر امور خارجه آمریکا و وزیر دفاع اسرائیل بوده است. وزیر دفاع اسرائیل با تشکر از حمایت دولت آمریکا خطاب به آنتونی بلینکن گفته است: «سفر شما به اسرائیل در زمان حساسی انجام می‌شود و پیام روشنی به دشمنان و شرکای ما در منطقه ارسال می‌کند.»